نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیستم- شماره ۸۵۱ شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

تحریم مطبوعات اصلاح طلب حامی دولت توسط مدیر کل ارشاد بوشهر، تاسف آوراست

بابک شاکر



صفحه ۸

قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان، مانع تداوم فعالیت میگلی نژاد شهردار بوشهر شد

روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر:

تشخیص احراز میگلی نژاد برای ادامه خدمت در سمت شهردار بندر بوشهر از حوزه اختیارات شورای اسلامی شهر بوشهر نمی باشد

صفحه ۲

سجاد بهزادی روزنامه نگار و فعال مدنی:

چگونه مطبوعات اصلاح طلب بوشهر حامی دولت، از سوی مدیر کل ارشاد این دولت تحریم می شوند؟!

صفحه۸



پرونده ویژه



هر گونه تهدید به خودکشی نوجوانان را جدی بگیرید

صفحه ۶و۷



نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۸۵۱ شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

استاندار بوشهردر نشست با فعالان اقتصادی استان بوشهر:

راه‌آهن بوشهر با جدیت دنبال می‌شود



استاندار بوشهر با تأکید بر لزوم اتصال استان به خط ریلی، گفت: راه‌آهن شیراز بدون اتصال استان بوشهر به این خط توجیه اقتصادی ندارد و دنبال ایجاد راه‌آهن بوشهر هستیم.
به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در نشست با فعالان اقتصادی استان بوشهر اظهار داشت: توسعه زیرساخت‌های استان بوشهر را با جدیت دنبال و پیگیری می کنیم که یکی از این مطالبات راه‌آهن و اتصال به خط ریلی است.
وی با بیان اینکه راه‌آهن شیراز بدون اتصال استان بوشهر به این خط توجیه اقتصادی ندارد، تصریح کرد: موضوع راه‌آهن بوشهر را به صورت جدی در دولت دنبال می‌کنم و با توجه به اهمیت آن برای استان امیدواریم محقق شود.

توسعه بنادر استان

استاندار بوشهر از تلاش ویژه برای توسعه بنادر استان و همچنین توجه ویژه به بخش گردشگری خبر داد و خاطرنشان کرد: پروژه فاضلاب بوشهر و دیگر شهرهای ساحلی استان نیز از طرح‌های بسیار مهمی است که در دستور کار قرار دارد.
وی خواستار همکاری و همراهی بخش خصوصی برای رفع مشکلات اقتصاد شد و بیان کرد: اقتصاد مقاومتی پیشانی کار ما است و بخش دولتی با همکاری بخش خصوصی برای حل مشکلات اقتصادی جدی است.

تشکیل کمیته بوشهر و فارس

استاندار بوشهر خواستار همکاری بخش خصوصی برای رونق اقتصاد و حل مشکلات اشتغال در استان شد و اضافه کرد: طرح‌های نیمه‌تمام اقتصادی استان که توجیه اقتصادی دارند باید شناسایی و برای رفع مشکل آنها تلاش شود.
وی با اشتراک برخی طرح‌ها و پروژه‌های مهم بین استان بوشهر و فارس اشاره کرد و گفت: تشکیل کارگروهی برای اجرای طرح های مشترك استان بوشهر و فارس را دنبال می کنیم.

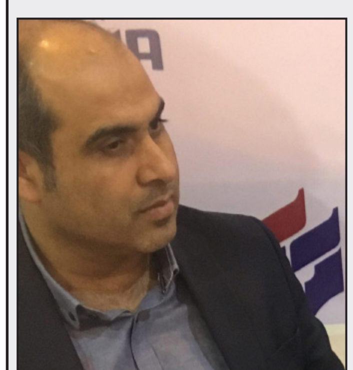
تخلیه و بارگیری کالاهای تجاری کانتینری در بندر بوشهر ۵۴ درصد افزایش یافت



مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: تخلیه و بارگیری کالاهای تجاری کانتینری در بندر بوشهر در ۷ ماه امسال ۵۴ درصد افزایش یافت.
به گزارش روابط عمومی، محمدمهدی بنچاری، مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر با اشاره به توسعه زیرساخت‌های بندری در استان بوشهر اظهار داشت: برای فراهم کردن تسهیلات لازم در راستای تخلیه و بارگیری کالا امسال در حوزه زیرساخت‌های بندری طرح‌های مهمی تدوین و اجرایی شده است.
وی با اشاره به اینکه بندر بوشهر از نقاط مهم بندری در عرصه تخلیه و بارگیری کالاهای کانتینری است افزود: حمل کالاهای تجاری کانتینری به عنوان مهم‌ترین روش در صادرات و واردات محسوب می‌شود که در این راستا بندر بوشهر از جایگاه مهمی در این حوزه برخوردار است.
بنچاری، بندر بوشهر را دومین بندر کانتینری کشور دانست و گفت: با توجه به اینکه بندر بوشهر به عنوان دومین بندر کشور در تخلیه و بارگیری کانتینر محسوب می‌شود، توجه به توسعه زیرساخت‌های این بخش در اولویت قرار دارد.
وی، از اجرای پایانه کانتینری جزیره نگین بوشهر خبر داد و گفت: با تکمیل این پایانه ظرفیت تخلیه و بارگیری کانتینر در بندر بوشهر سالانه به یک میلیون تی.ایی.یو کانتینر افزایش می‌یابد.
مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر از افزایش میزان تخلیه و بارگیری کالاهای تجاری کانتینری در بندر بوشهر خبر داد و خاطرنشان کرد: تخلیه و بارگیری کالاهای تجاری کانتینری در بندر بوشهر در ۷ ماه امسال ۵۴ درصد افزایش یافت.
بنچاری با اشاره به اینکه در مدت یاد شده ۱۰۲ هزار و ۶۰۰ تی.ایی.یو کالاهای تجاری کانتینری در بندر بوشهر تخلیه و بارگیری شده است تصریح کرد: از این میزان تخلیه و بارگیری، بیش از ۵۰ هزار و ۸۷۳ تی.ایی.یو کانتیتر آن صادرات بوده که نسبت به ۲۷ هزار کانتینر سال گذشته افزایش حدود ۲ برابری دارد.

مدیرکل تأمین اجتماعی استان بوشهر:

درصدد اصلاح شرایط بیمه صیادان هستیم



مدیرکل تأمین اجتماعی استان بوشهر می‌گوید: به دلیل سنتی بودن حرفه صیادان، در حال حاضر برای ارائه خدمات بیمه‌ای به این گروه شغلی با مشکلاتی مواجه هستیم و برای همین قصد داریم تا با الگوبرداری از شرایط کشورهای پیشرو در صنعت آبزیان وضع موجود را اصلاح کنیم.
به گزارش خبرنگار ایلنا، یونس خسروانی در تشریح این تحقیقات اضافه می‌کند: شرایط کار صیادان به نوعی است که همه روزهای سال به دریا نمی‌روند. گاهی دریابست دارند و گاهی باید ادوات صید و شناور را آماده کنند برای همین به دنبال طرحی هستیم تا در روزهایی که صیادان در دریا حضور ندارند نیز هم جز سابقه شاغلی آنها محسوب شود.
این مقام مسئول سازمان تأمین اجتماعی با تقسیم‌بندی ماهیگیران به دو گروه گفت: در گروه نخست ماهیگیرانی هستند که از خود شناور دارند و کارفرما قلمداد می‌شوند و در گروه دوم نیز ماهیگیرانی حضور دارند که بر روی لنج‌ها فعالیت می‌کنند و کارگر تلقی می‌شوند.
مدیرکل تأمین اجتماعی با اشاره به مشکلات پیش رو بیمه صیادان می‌گوید: ماهیگیری جزو کارهای بین بخشی محسوب می‌شود و به همین دلیل متولی مشخصی ندارند، این حرفه در ارتباط مستقیم با سازمان‌هایی مختلف و متفاوتی مثل بین نیروی انتظامی، سازمان شیلات، سازمان بنادر و کشتی رانی و تأمین اجتماعی است و تعامل تمامی سازمان‌ها با صیادان براساس مجوزهای معتبری است که برای آنها صادر شده است.

قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان مانع تداوم فعالیت شهردار بوشهر شد



نایب رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: با توجه به اینکه قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان در بخش های دولتی و عمومی پایان کار آنها در این بخش ها را اعلام کرده است، اجرای این قانون مانع از تداوم فعالیت غلامعلی میگلی نژاد در مسئولیت شهرداری بوشهر شد.
مهرزاد آسایش در گفت وگو با ایرنا افزود: در این ارتباط اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر در اجرای قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان، در نشست فوق العاده ای موضوع پایان فعالیت میگلی نژاد در مسئولیت شهرداری بوشهر را تصویب کردند.
وی اضافه کرد: در پایان این نشست رأی گیری در این زمینه نیز انجام شد که ۶ تن از ۹ عضو شورا به پایان کار شهردار بازنشسته بوشهر در این مسئولیت رأی مثبت و سه تن دیگر نیز رأی ممتنع دادند که این مصوبه برای تأیید نهایی به کمیته انطباق در فرمانداری بوشهر ارسال شد.
آسایس ادامه داد: شورای اسلامی شهر بوشهر انتخاب سرپرست برای شهرداری این شهر را منوط به رأی کمیته انطباق فرمانداری بوشهر در این زمینه اعلام کرد.
غلامعلی میگلی نژاد بازنشسته وزارت کشور است که پس از بازنشستگی از استانداری بوشهر ۲ دور سابقه شهرداری بوشهر و یك دور نیز نمایندگی مردم شهرستانهای بوشهر، گناوه و دیلم مجلس شورای اسلامی در کارنامه پس از بازنشستگی خود دارد.
رئیس جمهوری قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان را دوم آبان ماه جاری برای اجرا به سازمان اداری و استخدامی کشور ابلاغ کرد.

رئیس شورای شهر بوشهر:

فعالیت شهردار بوشهر غیرقانونی است

رئیس شورای شهر بوشهر با اشاره به بازنشستگی میگلی‌نژاد شهردار بوشهر گفت: با توجه به بازنشستگی و احراز نشدن شرایط ایثارگری شهردار بوشهر، فعالیت میگلی‌نژاد برای پست شهرداری بوشهر غیرقانونی است.
ابوذر دهدار در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم در بوشهر با اشاره به برگزاری جلسه فوق‌العاده شورای شهر بوشهر برای بررسی ادامه فعالیت میگلی‌نژاد شهردار بوشهر اظهار داشت: اعضای شورای شهر برای ادامه فعالیت شهردار بوشهر وارد شور شدند که به استناد نامه‌ای که به شهردار بوشهر ابلاغ شده بود و با توجه به قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان، فعالیت میگلی‌نژاد برای پست شهرداری بوشهر غیرقانونی اعلام شد.
وی با بیان اینکه میگلی‌نژاد از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس اقدامی برای دریافت کد ایثارگری خود نکرده است گفت: با توجه به اینکه میگلی‌نژاد مدارکی دال بر جانبازی و ایثارگری ندارد مشمول قانون جدید منع بکارگیری بازنشستگان شد.
سخنگوی شورای شهر بوشهر با اشاره به نشست فوق‌العاده شورای شهر بوشهر بیان کرد: در نشست فوق العاده شورای شهر بوشهر قانون جدید منع بکارگیری بازنشستگان که آخرین مهلت آن ۲۰ آبان بوده مورد بررسی قرار گرفت و در مجموع با ۶ رای موافق و ۳ رای ممتنع، شرایط احراز میگلی‌نژاد برای ادامه شهرداری بوشهر رد شد.
دهدار با اشاره به انجام استعلامات برای بررسی وضعیت میگلی‌نژاد بیان کرد:با توجه به استعلامات اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران و ابلاغ نامه سازمان بازرسی ادامه فعالیت میگلی‌نژاد در پست شهرداری بوشهر بر اساس قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان غیر ممکن اعلام شد.
وی افزود: تاکنون سرپرست شهرداری بوشهر تعیین نشده است.

روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر:

تشخیص احراز میگلی نژاد برای ادامه خدمت در سمت شهردار بندر بوشهر از حوزه اختیارات شورای اسلامی شهر بوشهر نمی باشد

روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر در اطلاعیه ای اعلام نمود: نظر به جلسه فوق العاده شنبه مورخ ۲۰ آبان ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر بوشهر پیرامون بررسی وضعیت ایثارگری جناب میگلی نژاد شهردار بندر بوشهر و تصمیم شورا در خصوص عدم احراز شرایط ایثار گری شهردار برای ادامه خدمت ایشان شایسته است موارد ی به شرح ذیل به همراه مستندات به استحضار مردم شریف و آگاه بوشهر رسانده شود:
۱. جناب میگلی نژاد حضور در جبهه های هشت سال دفاع مقدس را تکلیف شرعی خود دانسته و تاکنون هم در هیچ جایگاهی این موضوع را مطرح نکرده اند و قائل به استفاده از مزایای آن حتی عنوان نام جانباز بر خود نبوده اند. چرا که این را عهدی میان خود و خدای خویش در پاسداشت از سرزمین مقدس جمهوری اسلامی ایران می دانسته اند اما امروز در قبال مصوبه ی اخیر مجلس شورای اسلامی و به منظور تکلیفی دیگر در عرصه ی خدمت صادقانه به شهروندان، نا گزیر به ارائه و انتشار مستندات آن شده اند.
۲. بدون شك مرجع تایید هر گونه مستندات جانبازی و ایثارگری نامبرده در حوزه ی اختیارات و وظایف اداره کل بنیاد شهید می باشد که در این خصوص مستند به نامه ی شماره ی ۶۰۲۰/۸۲۰/۱۹۱۱ مورخ ۹۶/۸/۲۰ به همراه پنج برگ مدارك مجروحیت و جانبازی جناب میگلی نژاد از سوی بنیاد شهید شهرستان بوشهر به شورای اسلامی شهر بوشهر ارسال گشته است. حال سوال این است که اعضای محترم شوارى اسلامی شهر بوشهر با توجه به تائیدیه ی مرجع ذی صلاح در خصوص ایثار گری و جانبازی شهردار و ارائه مستندات لازم چگونه شرایط ایثار گری ایشان را احراز ننموده اند و ایشان را مشمول این بند از قانون نداشته اند.
۳. اسناد مجروحیت و جانبازی ایشان در عملیات شکست حصر آبادان در سال ۱۳۶۰ در پاسخ به استعلام مورخ ۹۰/۳/۲۳ بنیاد شهید شهرستان بوشهر طی نامه ی شماره ی ۴۵۲۰ و همچنین نامه ی شماره ۸۵۱۹ مورخ ۹۶/۸/۱۶ از سوی بیمارستان حاجیه نرگس بندر ماهشهر به همراه رونوشت برابر اصل دو برگ از دفتر ثبت اسامی مجروحین جنگ تحمیلی به انضمام نامه ی تائیدیه ی بنیاد شهید شهرستان بوشهر در خصوص ایثار گری و جانبازی جناب میگلی نژاد به شورای محترم اسلامی شهر بوشهر ارسال گردیده است.
۴. به استناد نامه ی شماره ی ۱۳۲۷۹۱ مورخ ۹۶/۸/۱۶ معاونت عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزارت کشور به استانداران سراسر کشور در اجرای تفسیر قانون استفساریه تبصره ی ۱ قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان و مستند به بند های (الف) و (د) ذیل تبصره ی ۴ بند ۱ ماده ۸۰ قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی شوراها مکلف به جمع بندی مستندات و ارسال آن ها به مرجع صدور حکم (وزارت کشور) می باشند و در این خصوص اختیار خاتمه ی کار شهرداران مشمول این قانون را ندارند. لذا رای گیری عدم احراز صلاحیت جناب شهردار دارای وجاهت قانونی نبوده و شکل قانونی این امر رعایت نشده است و تشخیص احراز ایشان برای ادامه خدمت در سمت شهردار بندر بوشهر از حوزه اختیارات شورای اسلامی شهر بوشهر نمی باشد.
محمد صادق سعیدی، مدیر ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر

معاون سوادآموزی استان بوشهر:

باسوادی زنان و دختران عشایری استان بوشهر با جدیت دنبال می‌شود



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: باسوادی زنان و دختران عشایری استان بوشهر با جدیت دنبال می‌شود.
به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش‌فر در مراسم آغاز کوچ پاییزه عشایر فارس به استان بوشهر اظهار داشت: از همه ظرفیت‌ها برای باسوادی زنان و دختران عشایری در استان استفاده خواهد شد.
معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر اضافه کرد: باسواد کردن زنان و دختران عشایری در فاصله سنی ۱۰ تا ۴۹ سال یکی از برنامه های مهم سوادآموزی در سال جاری خواهد بود. هر ساله از روز ۱۵ آبان تعداد زیادی عشایر ایل قشقایی استان فارس زمان قشلاق خود را در سراسر استان بوشهر به ویژه در شهرستان های دشتستان، دشتی و منطقه کاکی سپری می کنند و برنامه باسوادی زنان و دختران عشایری یکی از اولویت مهم کاری ما خواهد بود.
دانش‌فر افزود: حجم کل تحت پوشش زنان و دختران عشایری در فاصله سنی ۱۰ تا ۴۹ ساله در سال ۹۵- ۹۶ در دوره های مختلف سوادآموزی ۹۵ نفر بوده است. در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ شهرستان دشتستان با ۶۵ نفر سوادآموز عشایری دارای بیشترین و کاکی و دشتی در رتبه های بعدی قرار داشته اند.
دانش فر در پایان با ابراز امیدواری نسبت به استقبال زنان و دختران عشایری از برگزاری کلاس‌ها در دوره‌های مختلف سوادآموزی در استان، خاطرنشان کرد: همه امکانات برای آموزش واجدین شرایط عشایری در فاصله سنی ۱۰ تا ۴۹ ساله در شهرستان های دشتستان و دشتی و منطقه کاکی پیش بینی شده تا زنان و دختران عشایر بتوانند از نعمت باسوادی برخوردار شوند.

اجرای مصوبه ته لنجی و کالای همراه ملوان در بوشهر ازریابی می‌شود

استاندار بوشهر با اشاره به ابلاغ آیین‌نامه ته‌لنجی گفت: ارزیابی مصوبه جدید ته لنجی در دستور کار استان بوشهر قرار دارد تا نواقص اجرای آن احصا شود.
به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، عبدالکریم گراوند در نشست با جمعی از جامعه اهل سنت شهرستان کنگان با بیان اینکه این استان نماد اتحاد و حدت مسلمانان است اظهار داشت: هم‌زیستی و اتحاد مسلمانان در نقاط مختلف استان بوشهر قابل ستایش و تحسین است.
وی با تاکید بر اهمیت وحدت شیعه و سنی در جامعه اسلامی بیان کرد: دین اسلام همواره بر وحدت و برادری تاکید کرده و نباید اجازه اختلاف بین شیعه و سنی را بدهیم. گراوند با اشاره به اینکه حل مشکلات ته لنجی از موضوعات مطرح شده از سوی جامعه اهل سنت کنگان بوده گفت: با توجه به اینکه مصوبه هیئت دولت در زمینه ته‌لنجی ابلاغ شده، موضوع ارزیابی اجرای این مصوبه در دستور کار قرار دارد تا نواقص اجرای آن احصا شود.
استاندار بوشهر تصریح کرد: ارزیابی اجرای مصوبه جدید با کار کارشناسی دنبال می‌شود و پس از ارزیابی صورت گرفته نواقص مصوبه شناسایی و برای رفع نواقصات اقدام می‌شود.
وی با بیان اینکه لازمه اجرای مناسب مصوبه ته لنجی همکاری و مشارکت مردم است افزود:در شناسایی و رفع ایرادات مصوبه جدید ته لنجی به همکاری مردم نیاز است.

مهندس فروزانی سرپرست معاونت گردشگری استانداری فارس شد



مهندس اسماعیل تبادار طی حکمی محمد ابراهیم فروزانی (مدیرکل سابق میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر) را به سمت سرپرست معاونت گردشگری و امور زائرین استانداری منصوب کرد.
متن حکم استاندار فارس به شرح زیر می باشد:
بسم الله الرحمن الرحیم
جناب آقای محمد ابراهیم فروزانی
سلام علیکم
با عنایت به مراتب تخصص، تعهد و تجارب ارزشمند جنابعالی، به موجب این حکم شما را به سمت سرپرست معاونت گردشگری و امور زائرین استانداری منصوب می نمایم.
امید است با تلاش و کوشش و هماهنگی و همکاری کلیه نهادها، سازمان ها و دستگاههای اجرایی استان در انجام امور محوله موفق و مؤید باشید.
توفیق روزافزونتان را در جهت پیشبرد امور آن حوزه از درگاه خداوند متعال خواستارم.
اسماعیل تبادار

اهدای جایزه یونسکو برای طرح دانشکده هنر و معماری خلیج فارس بوشهر

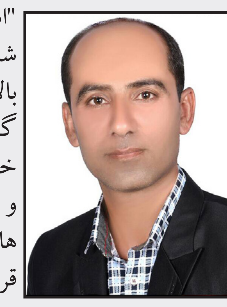
طرح دانشکده هنر و معماری خلیج فارس (بوشهر) که توسط "مهندسان مشاور ارگ بم" به کارفرمائی "اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر" تهیه گردیده، "جایزه آسیا-اقیانوسیه یونسکو ۲۰۱۷" برای "ارائه طرحی نو در زمینه میراث فرهنگی و تاریخی" را کسب کرد.
این طرح با ارائه راه حلی مبتنی بر زمینه و بافت طرح که نشان دهنده درك درست از معماری بومی و تیپولوژی منطقه است به چالش طراحی شهری پاسخ می دهد. ساختمان جدیدالاحداث دانشکده هنر و معماری خلیج فارس (بوشهر) که در بافت تاریخی شهر بوشهر قرار گرفته، حضوری منحصر به فرد در عین احترام به بناهای تاریخی مجاور خود ایجاد نموده است. این پروژه یک مدل قابل توجه برای معماری معاصر ارائه می دهد که حاوی نوعی حس حفاظت از روح بنا در منطقه است.
-این طرح در ژوئن ۲۰۱۷ توسط "مهندسان مشاور ارگ بم" و "اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر" به یونسکو معرفی گردید که اخیراً توسط یونسکو به عنوان یک طرح برجسته انتخاب و جایزه گرفت.
"دونگ بیچ هان"رئیس هیأت ژوری و رییس واحد فرهنگی یونسکو در بانکوك می گوید: "هیأت ژوری تحت تأثیر طبیعت قهرمانانه پروژه های مرمت و باززنده سازی قرار گرفته است، به خصوص طرح هایی که بر اهمیت حفاظت از میراثی که ریشه در کم قدرت ترین بخشهای جامعه دارد، تأکید کرده اند".
"در سال جاری شاهد افزایش تقاضا برای طراحی های نو در زمینه و بافت تاریخی-فرهنگی بوده ایم. سه پروژه (یک پروژه از ایران و دو پروژه از چین) در این رده شناخته شدند که بالاترین تعداد برندگان از سال ۲۰۰۵ و زمان آغاز برنامه بوده است. این جایزه به ساختارهای جدیدالاحداثی که در کنار توجه به بافت تاریخی، طرحی برجسته را ارائه می دهند اعطا می شود".

دومین کنگره بین‌المللی نقش خدمات حمایتی در درمان چندتخصصی سرطان کودک

دومین کنگره بین‌المللی نقش خدمات حمایتی در درمان چندتخصصی سرطان کودک اول و دوم آذر ماه ۹۶ در مؤسسه خیریه محک برگزار می‌شود.
براساس آخرین یافته‌های جهانی، درمان سرطان درمانی چندتخصصی و همه‌جانبه است که لازمه آن همراهی تیم‌های مختلف پزشکی، پرستاری، مددکاری، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره و سایر تخصص‌ها با یکدیگر است. محور این کنگره تخصصی، ارائه خدمات حمایتی به کودک و مراقبین (خانواده و تیم درمان) در فرآیند درمان چندتخصصی سرطان کودک شامل؛ تشخیص، سیر درمان، پیگیری بازگشت به زندگی عادی، سوگ و پس از سوگ است. این کنگره بین‌المللی با هدف ارائه تجارب یافته‌های پژوهشی برای ارتقای دانش و مهارت کارشناسان و متخصصان حوزه خدمات حمایتی با توجه به استانداردها و روندهای ملی و بین‌المللی برگزار می‌شود.
برای دریافت اطلاعات بیشتر می توانیدبه وب سایت محک مراجعه کنید یا در ساعات اداری با دبیرخانه کنگره تماس بگیرید.
شماره تماس: ۰۲۱۲۳۵۰۱۳۴۷
زمان و محل برگزاری:
۱ و ۲ آذر ماه ۱۳۹۶
نشانی: تهران- میدان اقدسیه- ابتدای بزرگراه ارتش- سه راه ازگل- بلوار شهید مژدی- خیابان پروفسور پروانه وثوق- بلوار محک- موسسه خیریه و بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک

لطفاً شمشیرها را غلاف کنید

رضا مقاتلی



"استاندار بوشهر انتخاب شد". این خبری بود که بالاخره پس از مدتها گمانه زنی بر روی خروجی خبرگزاریها و سایتها و نیز کانال های خبری مختلف قرار گرفت و در فضای خبری و بخصوص مجازی با عناوینی مختلف مخابره شد.

یکی نوشت پس از کش و قوسهای فراوان گراوند کلیددار استانداری بوشهر شد، دیگری نوشت ماراتن پایان یافت و "سرپرست" استاندار شد، دیگری تیتر زد گراوند سالار(ی) بوشهر شد و هر کدام بنا به نیت و خواسته و البته برخی به سلیقه ی خود تیتری خاص بر خبر روز و داغ خویش انتخاب کردند.

بدون تعارف و با صراحت باید عنوان نمود که عده ای با تهدید و خط و نشان کشیدنهای خاص به نوعی شمشیر کشیده و برخی با دلسوزی تنها به بیان مطالبات و خواسته های معقول در زمینه ی معیارهای انتخاب استاندار استانی پرداختند که همچون نگینی درخشان بر کرانه ی خلیج تا ابد فارس چشم نوازی می کند.

بوشهر که پیش از این لیانش می خواندند سرزمینی است پرگهر با مردمانی نیکو سرشت و پاک سیرت؛ مرزدارانی بی تکلف و همواره مقاوم در برابر هر طوفان و خزان.

این دیار محدوده ی استراتژیکی از جغرافیای گسترده ی ایران است که به لحاظ موقعیت قرارگیری خاص و البته منابع سرشار و بی مانند طبیعی اش سالهاست نگاه برنامه ریزان داخلی و خارجی را به دلایلی فراوان از جمله آنچه ذکر شد به خود معطوف نموده است و مدیریت بر این استان همواره دارای حساسیتی خاص بوده به نحوی که امروز حتی در درون خود این استان نیز سیاست ورزی مردمانش بیش از هر زمان و برهه ای دیگر، امری تقریباً طبیعی در محاورات و مجالساتشان گشته است. نمونه ی نزدیک این مدعا انتخاب اخیر استاندار بوشهر در پی تصمیم دولت مبنی بر سلسله تغییرات در رأس هرم مدیریتی استانهای مختلف بود که شاید واکنشهای این ایام در این استان در نوع خود کم نظیر و البته شاید حتی تا مدتهایی بعید، بی نظیر باشد. انتخابی که از نمایندگان گروه ها و احزاب مختلف گرفته تا نمایندگان استان در مجلس و حتی دانشجویان و در نهایت اقشار مختلف را نیز وادار به واکنش و اعلام موضع صریح یا در پرده نمود.

این واکنش ها البته گاه دلسوزانه بود و ناشی از تفکراتی خیرخواهانه و گاه از جایگاه سهم خواهی های نامعقول و حتی نابخردانه؛ گاه با نصیحت همراه شد و گاه با تندی و تهمت و تهدید و افترا تا آنجا که حرمتها شکسته شد و کدورتها پدید آورد.

هر چه بود اما گذشت؛ اینک انتظار، کشیدن خط پایانی است بر همه ی آنچه در پاره ای اوقات منتهی به جنگ و جدل شد و گاه منجر شد به وفاق و وحدت و یکصدایی بی مانند.

مردی از کوهدشت استان لرَستان بر اساس سیاست دولت دوازدهم در چینش مدیرانی غیربومی در رأس هرم مدیریت استانها، بر مسند نمایندگی ارشد دولت در استان بوشهر تکیه زده است و این آغازی است بر راهی که می تواند منتهی گردد بر شکوفایی هر چه بیشتر این استان اگر وفاق و انسجام و همدلی در میان همگان به گونه ای ایجاد گردد که منیت ها تبدیل به همگرایی گردد و تهدیدها تبدیل به همراهی و همفکری و دلسوزی.

به عقیده ی نگارنده و بدون کمترین نگاه تعصب آمیز، منتخب کنونی هیأت دولت نه گماشته ی فردی خاص است و نه دنبال کننده ی ترسیم آنچه برای ایشان رسم می گردد تا وی تنها مجری آن گردد؛ چرا که نگاهی اینگونه را نگاهی از منظر بداخلاقی، کج اندیشی، تعصبات نابجا و حرمت شکنی هم به جایگاه و شخصیت حقوقی وی بعنوان استاندار می دانم و هم به شخصیت حقیقی وی که در میان همه ی گزینه های مطرح شده در راند نهایی گمانه زنی ها بدلیل طی سلسله مراتب مدیریتی در حوزه مدیریت اصلح ترین بود و مجرب ترین در سطوح عالی مدیریت.

مخلص کلام آنکه بی تردید اینک زمان پایان همه ی اختلافات است حداقل برای ایجاد آرامشی که می تواند زمینه ساز توسعه و پیشرفت همه جانبه و بیش از پیش استان گردد.

بدون شک استاندار جدید نیازمند همراهی و همدلی همگان است چه آنان که موافق و خواستار حضورش بودند و چه آنان که مخالف و عدم خواستار حضورش. البته این امر نافی نقدهای منصفانه همراه با راهکارهای خلاقانه و پیشنهادی در حوزه های مختلف استان نخواهد بود.

انتخاب این دو رویکرد - همراهی یا معاندت - تعیین کننده سرنوشت استانی است که همگان در پیشرفت یا عدم پیشرفتش هر کدام به قدر خویش سهیمیم.

و در پایان اینکه مردم این سامان بارها نشان داده اند که عقد اخوت با هیچکس نبسته اند و همراهند با کسانی که همراهشان گردد در یاری و خدمت به آنان و کمترین اغماضی نخواهند داشت با آنان که در ظاهر همراهند اما در نهان مخالف.

تحلیل مسئله دختران مجرد از منظر جامعه شناسی (۲)

تجرد دختران پیوند جدی با عشق رمانتیک دارد

در گفتگو با دکتر مصطفی مهرآیین



– آقای دکتر لطفا از منظر فوکویی و تحلیل سامانه تجرد بفرمایید در حال حاضر وضعیت تجرد در کشور ما به چه صورت است؟

در تحلیل سامانه باید گفت هر پدیده یک سامانه یعنی ترکیبی از گفتمان، کردارها و نهاد است. به عنوان مثال، خانواده یک گفتمان است که یک‌سری کردار دارد، خودش هم نهاد است و نهادهای وابسته هم حول محور آن شکل گرفته‌اند. عشق هم به این صورت است و مناسک، کردارهایی و نهادهایی دارد. گفتمان عشق امروزه عشق رمانتیک سیال است و کردارهای متفاوتی دارد مانند قرار گذاشتن، رفتن به کافی‌شاپ و ... . نهادی هم که حول محور آن شکل گرفته ابعاد سازمانی و اجتماعی است که این پدیده را تقویت می کنند و رسانه‌ها و فیلم‌هایی که حول آن شکل می‌گیرند یا قوانین و مقرراتی که بر آنها عارض می‌شود. این در حالی است که در گذشته مثلا در سال‌های قبل از انقلاب به عشق این گونه نگاه نمی‌شد. در گفتمان فعلی عشق دیگر پدیده‌ای در تخالف با خانواده نیست، بلکه اساس و آغازگاه خانواده است. در گذشته پسران و دختران مبتنی بر ارث، طبقه اجتماعی، سیاسی و نیازهای شغلی دو خانواده به هم معرفی می‌شدند و همدیگر را می‌دیدند و با هم ازدواج می کردند و نهاد خانواده شکل می گرفت که مقررات ویژه خود را داشت. اما اکنون آغازگاه خانواده، عشق رمانتیک است پس گفتمانی که حول عشق رمانتیک شکل گرفته گفتمان منفی نیست. اگر هم وجه منفی در آن وجود داشته باشد به موقت و سیال بودن آن مربوط می‌شود. حول این گفتمان، کردار و مناسک و نهاد شکل گرفته است. حتی ممکن است دیدارهای دختران و پسران یا عشاق امروزی در خانواده‌ها صورت گیرد، پدر و مادرها هم آگاه هستند که این دو با یکدیگر تعاملات عاشقانه دارند. اما حدود ۵۰ سال پیش عشق در تخالف با خانواده قرار داشت و عامل سرپیچی و گسست محسوب می‌شد.

در حال حاضر، دو نوع گفتمان حول محور عشق وجود دارد. یکی نگاه نظم رسمی است که از منظر آن عشق کاملا منکوب می‌شود و دیگری گفتمانی است که از منظر عشاق در جامعه وجود دارد. براساس این گفتمان، عشاق آدم‌های خاصی هستند که فهمیده نمی‌شوند و مهمترین ویژگی که بر دنیای آنها عارض است فصل و جدایی است که البته در پیوند با وجوه متعالی زندگی مانند خدا و عرفان قرار می‌گیرد. همچنین کردارهایی در این زمینه وجود دارد. در گذشته کردار اصلی عشق، عبارت بود از جنون، طرد از سوی خانواده و دلسوزی مردم. در گذشته عشق نمی‌توانست نهاد بسازد مگر این که بگوییم نهاد آن ادبیات بوده که زبان عشاق را در آن طرح می‌کردند. جغرافیای عشق نیز در گذشته و اکنون با هم متفاوت شده است به‌گونه‌ای که در گذشته در چاه یا در تابلوی نقاشی همدیگر را می‌دیدند همان‌طور که خسرو، نقاشی شیرین را دید و عاشق او شد اما الان این جغرافیا متفاوت است.

–این سامانه در خصوص وضعیت تجرد به چه صورت است؟

از همین منظر می‌توان به پدیده تجرد هم نگاه کرد. البته چون تجرد انواعی دارد باید روشن کرد که جامعه با کدام حالت تجرد سازگار است و با کدام یک مخالف است. در خصوص افراد مجرد می‌توان یک دسته‌بندی ۴ گانه ارایه داد. برخی به شکل اختیاری، آگاهانه و به طور موقت مجرد هستند یعنی بنابر ملاحظات عقلانی یا احساسی که در زندگیشان وجود دارد تصمیم گرفته‌اند فعلا ازدواج نکنند. برخی به شکل آگاهانه می‌خواهند همیشه مجرد بمانند. دسته‌ای دیگر از افراد نیز به صورت غیر اختیاری و موقت مجرد هستند. عمدتا در این حالت می‌گویند فرد به دلیل عدم زیبایی و عدم جذابیت نتوانسته ازدواج کند. البته، این افراد ممکن است در فرایند زندگی خود بتوانند ازدواج کنند. عده‌ای هم به شکل غیر اختیاری و غیر آگاهانه به طور دائم مجرد هستند که این افراد نیز گفته می‌شود به دلیل عدم زیبایی و عدم جذابیت ازدواج نکرده‌اند، اما به لحاظ سنی هم دوره بالای ۳۰ سال را می گذرانند و احتمال ازدواج آنها کاملا منتفی است.

در مورد کسانی که غیرآگاهانه تجرد دارند، فرض بر این است که این اتفاق از جنس تصمیم نیست، بلکه از جنس یک صفت بیرونی است که آن هم عمدتا عدم جذابیت است. به همین دلیل جامعه با تجرد این گروه مشکلی ندارد. اما مشکل نظم موجود اجتماعی با تجرد کسانی است که به شکل ثابت و آگاهانه تجرد را اختیار می کنند.

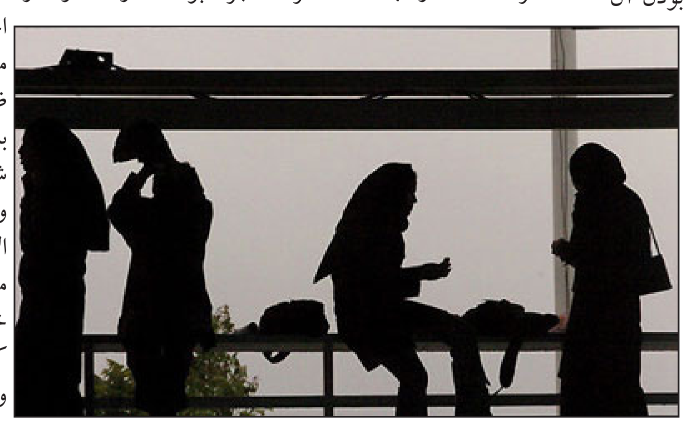
طبعا حول محور تجرد، کردارها یعنی قوانین و مقررات و مناسک خاصی شکل می‌گیرد. مناسک نظم موجود تلاش برای ترغیب انسان‌ها به ازدواج است. در این زمینه، برنامه‌های تلویزیونی و تبلیغات برای ازدواج افزایش پیدا می‌کند. گاهی نیز این ترغیب از جنس قوانین، مقررات و دستورالعمل‌هایی است که در ادارات برای استخدام وجود دارد مثل این که امتیازاتی برای فرزند، حق عائله‌مندی، وام ازدواج و حق مسکن داده می‌شود یا حتی قوانین نانوشته‌ای هم مثل برخوردهای مثبت یا منفی حراست و مدیران با افراد مجرد و متأهل وجود دارد. در واقع، گفتمان رسمی امتیازاتی برای ازدواج قائل می‌شود تا بتواند پدیده تجرد را کنترل کند. نهادی هم که در اینجا شکل می گیرد نهاد خانواده است.

حال، کمی به عقب‌تر برویم و مسأله تجرد را در دهه ۶۰ مورد بررسی قرار دهیم. یکی از نکاتی که در تحقیقات اجتماعی در مورد تجرد مطرح می‌شود این است که نظم سیاسی و اجتماعی چه تأثیری بر پدیده تجرد داشته است. مهمترین چیزی که در نظم سیاسی مطرح می‌شود این است که جامعه چه میزان در وضعیت صلح و چه میزان در وضعیت جنگ بوده است.

در جامعه ما در دهه ۶۰ نگاه به تجرد منفی نیست چون تعداد زیادی از زنان شوهران خود را در جنگ از دست داده اند و نظم اجتماعی موجود آنها را تحسین می‌کند. گفتمانی که نظم اجتماعی موجود حول زنان مجرد و زنان بیوه شهدای جنگ و به تبع آنها سایر زنان مجرد ساخته، گفتمانی مثبت و از جنس همدلی و سازگاری است. کرداری هم که حول آنها شکل گرفته عمدتا کردار مراقبت از زنان است که در قالب‌هایی مانند ترغیب دیگران به ازدواج با این زنان می‌توان این کردار را دید. مثلا یکی از اشکال متداول ازدواج در دهه شصت ازدواج پسران خانواده با بیوه‌های برادران شهیدشان بود.

– در دهه ۶۰ نگاه به خانم‌های مجردی که هیچ وقت ازدواج نکرده بودند چگونه بود؟

گفتمان موجود در مورد این خانم‌ها نیز به تبع زنانی که در جنگ بیوه شده بودند، مثبت بود. با این که در آن زمان، این گفتمان وجود داشت که زنان ازدواج کنند و فرزنددار شوند تا بتوانند رزمنده‌هایی برای جنگ پرورش دهند، اما از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از دختران فعال در جنگ، دختران مجرد بودند. در



روایت‌های غیر رسمی از جنگ که در سال‌های اخیر در قالب خاطرات منتشر می‌شود می‌بینیم که عمده این روایت‌ها مربوط به زنانی است که از نیروهای فعال آن دوران هستند. در آنجا اصلا این بحث مطرح نیست که این زنان مجرد یا متأهل هستند و اتفاقا مجرد بودن به عنوان یک امتیاز در آن سال‌ها شناخته می‌شد، زیرا زنان راحت‌تر می‌توانستند به فعالیت‌های انقلابی خود بپردازند.

در فضای انقلاب و جنگ، ازدواج لزوما بیانگر انقلابی بودن فرد نبود، بلکه دفاع از ایدئولوژی انقلاب نشان می‌داد که شما انقلابی هستید. در آن دوره، کردار اصلی، مراقبت از زنان بیوه جنگ بود و کردار اصلی دختران مجرد نیز حجاب، پاکدامنی، عزت نفس و بکارت بود که این موضوعات در آن سال‌ها به شدت در ادبیات و سینما نیز وجود داشتند.

تقریبا از سال ۶۶ یعنی پس از پایان جنگ، فوت امام و افول نظم فرهنگی دوران جنگ و انقلاب تغییری در نظم فرهنگی موجود ایجاد می‌شود. در نظم فرهنگی آن دوره به خانواده توجه می‌شد، اما هدف اصلی تربیت زن انقلابی است که وسیله آن هم لزوما خانواده نیست. این خاستگاه فرهنگی وقتی در مناسک جامعه، کردارها و نهاد نمود می‌یابد، لزوما به معنای ایجاد تأهل نیست، بلکه انسان انقلابی، دختران پاکدامن و انقلابی تربیت می کند.

اواخر دهه ۶۰ فیلم "شب‌های زاینده رود" به کارگردانی محسن مخملباف ساخته شد. در این فیلم دختری عاشق یک بسیجی است و قبلا هم عشقی داشته که او را ترک کرده اما دوباره برگشته و او میل دارد به همان سمت برگردد. در این فیلم دختر می‌پرسد اگر شما مردان می توانید با چند زن باشید چرا ما زن‌ها نتوانیم با چند مرد باشیم؟ این پرسش آغازگر دوران بعدی ماست. مخملباف در سال‌های اخیر همین پرسش را به گونه‌ای دیگر در فیلم "سکس و فلسفه" از منظر زنی طرح می کند که با مردان مختلف است و به همین دلیل در معرض خشونت نیز قرار می گیرد.

در دولت آقای هاشمی هدف مطلوب، توسعه است و کشور به سمت توسعه پیش می‌رود. توسعه نیز نیازمند انسان بوروکرات است و این انسان طبعا باید تحصیل‌کرده باشد به همین دلیل گسترش دانشگاه‌ها مورد توجه قرار می گیرد. گسترش دانشگاه‌ها به معنای تحصیل‌کرده شدن بخش عظیمی از زنان است که این زنان پس از تحصیلات وارد دنیای کار می‌شوند و درآمد اقتصادی دارند. در این شرایط طبعا مسأله زنان با مردان دیگر تفاوت‌های اقتصادی نیست چون تا قبل از آن نکته اصلی تفاوت بین مردان و زنان اختلاف بر سر منزلت اقتصادی بود.

از سوی دیگر، اشتغال این زنان به خصوص در بدنه دولت که شکاف‌هایی بین گروه‌های سیاسی مختلف وجود دارد، باعث می‌شود که زنان نیز طبعا گرایش سیاسی داشته باشند و برش سیاسی بخورندکه این گرایش سیاسی، فهم آنها از حقوق، جایگاه و بدنشان را تغییر می‌دهد. اما مسأله مهمتر، استقلال اقتصادی زنان است که در این شرایط اختلاف آنها با مردان از منزلت اقتصادی به سمت منزلت اجتماعی می‌رود و بحث بر سر احترام، منزلت و جایگاه اجتماعی است. در اینجا سؤالاتی مطرح می‌شود مانند این که جایگاه زن در ازدواج کجاست؟ آیا دختران در ازدواج آزاد هستند یا خیر؟ همه این مسایل در مرکز مباحث بین زنان و مردان در جامعه قرار می گیرند و اینجاست که گفتمان رسمی در مقابل تجرد قوی‌تر می‌شود اما گفتمان تجرد هم قدرت پیدا می کند.

یعنی از این دوره به بعد با سامانه دیگری روبه‌رو هستیم که حول آن عشق رمانتیک شکل می گیرد. تجرد پیوند جدی با عشق رمانتیک دارد و خودبه‌خود با مسایلی مانند نظم شهری، خانه‌های مجردی، معماری خاص، خانه‌های کوچک، اسلوب‌های رفتار قانونی، دعواهای پدر و مادرها با فرزندان در رابطه با این مسایل و ... درگیر است.

چنان که گفتم بعد از انقلاب یک سامانه رسمی داشتیم که نهاد خانواده را تقویت می کرد، اما از انتهای دهه ۶۰ به بعد گفتمان تجرد تغییر کرد و کردارها، مناسک و نهاد آن هم عوض شد. در آن دوران، پدیده تجرد در جنگ با تأهل بود و نمی‌توانست خود را به‌عنوان پدیده‌ای مستقل بفهمد و ادراکی از خودش داشته باشد و بلکه بیشتر خود را در دیالکتیک با خانواده می‌فهمید و در منازعه با خانواده سعی داشت خود را قابل فهم و حتی در جامعه غالب کند. پدیده‌ای که در سال‌های اخیر داریم این است که پدیده تجرد دیگر خودش را در مقابل خانواده تعریف نمی‌کند. در واقع، در سال‌های اخیر با استقلال پدیده تجرد روبه‌رو هستیم، به‌گونه‌ای که تجرد نوعی از زندگی است که یک سامان اجتماعی دیگر در حوزه خانواده ایجاد می کند.

در گذشته سه نوع سامان احساسی شامل سنتی، انقلابی و مدرن اولیه در جامعه ما وجود داشت اما الان سامان احساس تغییر کرده و سامان مدرن میانه یا متأخر داریم که این سامانه احساسی دیگر ضرورتا خود را با خانواده تعریف نمی کند، بلکه این سامان با لذت، سکس، پاساژ، شغل، اقتصاد، زبان خاص ادبی و اجتماعی و اسلوب‌های خاص پوشش تعریف می‌شود. الان نظم سیاسی - اجتماعی ما درگیر این ماجراست که چگونه این پدیده مستقل را در خود جا دهد. در گذشته مسأله ما تنها این بود که پدیده تجرد در مقابل خانواده وجود دارد و باید آن را در نظم خانواده منحل کنیم، اما در حال حاضر مسأله پدیده تجرد این است که آن را به شکل مستقل بپذیریم یا خیر. بحث‌هایی مانند از بین رفتن قبح تجرد و به رسمیت شناخته شدن آن بحث‌هایی است که آغازگاه آنها استقلال قلمرو تجرد است.

– آقای دکتر به نظر شما بایسته‌های سیاست گذاری در این زمینه چیست؟

در مقابل پدیده تجرد می توانیم دو نوع سیاست گذاری داشته باشیم، یکی سیاست‌گذاری ناظر به استقلال پدیده تجرد و دیگری سیاست‌گذاری از منظر نظم رسمی موجود. اگر بپذیریم تجرد یک پدیده و حوزه مستقل اجتماعی است که طبعا قوانینی بر آن عارض است، می‌گوییم کسانی که این پدیده را تجربه می کنند باید سخن از مسایلشان بگویند. مثلا آنها باید بگویند نوع نگاهشان به ارث، زندگی مستقل از پدر و مادر، تحصیلات، ازدواج، بدن، آدم‌های متأهل، شغل و ... چیست. اگر بپذیریم که این افراد حرف بزنند و گفتمانشان ایجاد شود، خودبه‌خود کردار و مناسک هم حول این گفتمان ایجاد می‌شود، به نهاد خودشان هم شکل می‌دهند و در نتیجه، این پدیده در نظم قدرت موجود حل می‌شود. این نگاه به معنای فوکویی، زیست سیاست و نگاه از پایین است.

یک نوع نگاه از بالا هم داریم که مسأله آن شناسایی آنچه وجود دارد، نیست بلکه به آنچه باید باشد توجه دارد که این نگاه طبعا نگاهی انکاری است. البته، جامعه می‌خواهد هم آدم‌های مجرد را انکار کند هم از آنها به عنوان یک نیروی اجتماعی استفاده کند، چون آنها نیروی گسترده کار هستند و ممکن است بسیاری از آنها جمعیت نخبه جامعه باشند. در واقع، سیستم دچار تناقض است و در عین انکار پدیده تجرد، از نیروی اجتماعی افراد مجرد استفاده می کند، چون در فضای امروزی به راحتی نمی‌توان اقشار مختلف را به دلایل متفاوت طرد کرد. از آن‌جایی که سیستم نئولیبرال است، به همه گروه‌های اجتماعی به عنوان نیروی کار نگاه می کند و به این راحتی نمی‌شود حذفشان کرد. چنان که گفتم، بعد از انقلاب سه سامانه کلاسیک یا انقلابی نخستین، مدرنیته اول و مدرنیته متأخر حول بحث تجرد شکل گرفته است. نظم سنتی کلاسیک دولتی همچنان در حال ادامه است، البته در سامانه دولتی هم تغییر ایجاد شده و به شکل ثابت باقی نمانده است. در دهه ۶۰ در گفتمان رسمی نگاه تشویق مردم به ازدواج وجود داشت، اما نگاه به تجرد هم مثبت بود. در سال‌های بعد تشویق به ازدواج پر رنگ‌تر شد اما در سال‌های اخیر گفتمان دولت هم در حال تغییر است و مباحثی که مطرح می‌شود مانند قبح‌زدایی از تجرد، ضرورت توجه به آموزش‌های جنسی، مبارزه با خشونت علیه زنان، حق اشتغال زنان، اشتغال دختران فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ... نشان می‌دهد نگاه سیستم در حال تغییر است و از منظر طرد گذر کرده و در میانه انکار و پذیرش قرار دارد. به اعتقاد من در آینده این مسأله پذیرفته خواهد شد.

آقای روحانی، شرایط عادی شده است، مراقب باشید

مصطفی داننده: بعد از روی کارآمدن حسن روحانی شرایط ایران عادی شده است. در اواسط دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ مردم ایران با شرایط غیرعادی روبرو بودند و هر روز شاهد نوسان و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود.

شاید هنوز مردم ایران فراموش نکرده باشند که وقتی می‌خوابیدند اجناس در ایران یک قیمت داشت و صبح که بیدار می‌شدند یک قیمت. چند صباحی است که آرامش به کشور برگشته است و مردم با ناآرامی‌های اقتصادی روبرو نیستند.

همین آرامش باعث شده است بخشی از جامعه به سراغ دغدغه‌های دیگر خود از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی بروند. همین مسئله یک هشدار بزرگ برای حسن روحانی است.

روحانی باید بداند امروز بخشی از جامعه دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی دارند و نمی‌تواند به راحتی از آنها چشم بپوشاند. امروز دختران می‌خواهند به ورزشگاه بروند. امروز بخشی از مردم انتظار دارند مشکل سپنتا نیکنام عضو زرتشتی شورای شهر یزد حل شود و او به شورا برگردد و ...

عمده کسانی که این انتظارها را از دولت اعتدال دارند درست کسانی هستند که به روحانی رأی داده‌اند. این رأی هم به خاطر شعارهایی بود که



روحانی در ایام انتخابات با صدای بلند آن را فریاد می کرد.

امروز برای این افراد نمی‌توانم و نمی گذارند معنایی ندارد چون رییس جمهور در ایام انتخابات گفته بود اگر رأی بالایی بیاورد بسیاری از مشکلات را حل خواهد کرد.

رییس جمهور روحانی در ایام انتخابات توقع مردم را بالا برد و حالا مردم بر اساس آن شعارها، خواهان رفع دغدغه‌های خود هستند.

اگر روحانی به این خواسته‌ها توجه نکند، بحران ناامیدی در کشور رواج پیدا خواهد کرد. در سال ۹۲ وقتی روحانی به قدرت رسید، ابر امید بر سر ایران سایه انداخت. صبحی که روحانی در مجلس سوگند خورد، صبح زیباتری نسبت به روز قبل خود بود.

این امید تا انتخابات سال ۹۶ ادامه داشت و ایرانیها باز هم به روحانی رأی دادند تا تفکر مقابل روحانی به قدرت نرسد. حالا اما به نظر می‌رسد کسانی که به روحانی رأی دادند کم کم در حال ناامید شدن هستند و از سکوت روحانی در بسیاری از مسائل دلخور.

بخشی از رأی دهندگان به روحانی ممکن است بعد از این حس ناامیدی، دیگر در انتخابات شرکت نکنند و حرف‌های افرادی مانند روحانی را باور نکنند. تاریخ نشان داده است قهر مردم با صندوق یعنی روی کارآمدن افرادی که می‌توانند باز هم شرایط ایران را غیرعادی کنند.

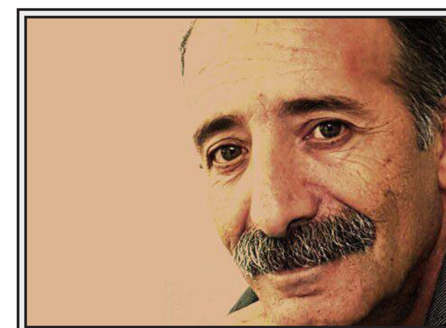
متهم اصلی شدن غیرعادی شدن ایران در آن زمان حسن روحانی و اصلاح طلبان مجلس هستند. شاید بتوان گفت امروز اصول‌گرایان به خاطر برخی تصمیمات روحانی و اعضای فراکسیون امید در مجلس، لبخند رضایت به لب دارند و خود را آماده حضور مجدد در قدرت می کنند.

چشم بر هم زدنی دو انتخابات سال ۹۸ مجلس و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری، از راه می‌رسد و شاید دیگر « تکرار» هم به داد جریان اعتدال و اصلاحات نرسد. روحانی و اصلاح طلبان اگر می‌خواهند تداوم پیدا کنند باید حواسشان به خواسته‌های بخشی از جامعه باشد.

منبع: عصر ایران

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۸۵۱ شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۶
NASIM JANOUB



مظاهر شهامت

آینه تاریک شده است
و تو
از ارتفاع کلمات نفسگیر افتاده ایی
نه امیدی
نه حسرتی
نه ایستادن در کنار سایه ات
که بدانی چقدر کوتاه شده ایی
حتی پرنده ها
از آشوب موهایت هراسان نیستند!

***

ابراهیم طلعتی نژاد

شعله نبود
زبانه ای اگر بود،
شریان قلب من بود،
سخن نقضی نبود
نگاه شیرینش شراره های تلخ
واژه های مگو
حرفهای سخت بود،
حرفهای آتشینی که
احساس برهنه را
بر سندان سینه می کوبید
و بادی که می رقصید
و سکوت جانکاهم را
چون خاشاک و بوته خارها
به دشتهای دور می غلتاند

و شب خاموش و در خود فروشونده
نعشه از خشخاش گل داده اش؛ من،
در خود تکرار می کرد،
بازتاب این مرد در من
بازتاب من در این مرد
و سکوت
سکاندار من بود
در میان موج های رگهایم.

***

اسما رستمی ژانویه ۲۰۱۷ نانسی فرانسه

لباس سرخ می پوشم
لب هایم را سرخ می کنم
و به موهایم هیچ گل سرخی نمی زنم
برای داشتنت امشب
یک چریک شده ام
هی تو!
با من یک سیگار برگ بکش.

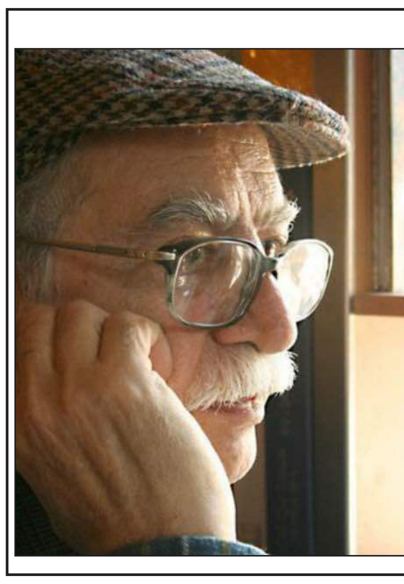
***

روتخر کوپلاند
برگردان شهلا اسماعیل زاده.

گفتگو

پرسش گرانه بمن می‌نگرد
انگار می‌گوید چرا سکوت می‌کنی؟
به راستی برای چه سکوت می‌کنم ؟
و بدنبال پاسخی هستم
از چهره‌اش رو بر می‌گردانم
به دیوار و از دیوار به پنجره
از پنجره به دست‌هایم بر زانوانم
و دوباره باز به چهره‌اش
هنوز بمن نگاه می کند
سکوت را در اتاقش می شنوم
دلم می خواهد بگویم که
از برای خود سکوت می کنم چرا که نمی دانم
او کیست

در سوگ راوی سالهای ابری



بابک شاکر: علی اشرف درویشیان داستان نویس، پژوهشگر و نویسنده مبارز ایرانی و راوی طبقه فرودست جامعه درگذشت. درویشیان به راستی مرد بزرگی از نسل بزرگی بود که تداعی کننده ی اثرگذاری صمد بهرنگی در نسلی از مبارزه و قلم بود. اولین بار به واسطه انتشار ویژه نامه ای برای صمد بهرنگی با او آشنا شدم و این آشنایی ماندگار شد تا این روزها که حال جسمی خوبی نداشت. سالهایی که همه صفرخان قهرمانیان را فراموش کرده بودند به سراغش رفت و خاطرات او را در قالب مصاحبه ثبت کرد، کتابی اثرگذار و سرشار از روایت های حیرت انگیز سالهای زندان طولانی صفرخان ... خود درویشیان نیز در سال ۱۳۵۳یکسال بعد از ازدواجش دستگیر شد و به یازده سال زندان محکوم شد. زندان او تا انقلاب ایران ادامه یافت. درویشیان راوی فرودستان جامعه و قشر کارگر و ستمدیده جامعه استبدادی ایران بود، قشری که خود از میان آن برخاسته بود. شریف داوریشه "سالهای ابری" فاصله چندانی با خود او نداشت و در واقع زندگی خودش را روایت کرده بود. سالهای ابری رمانی سیاسی با ریشه ایی اجتماعی یکی از موفق ترین آثار درویشیان به شمار می رود. از او آثار ماندگاری به یادگار مانده است. نسل او دیگر تکرار نخواهد شد تنها در این اندیشه ام که زیست نویسندگی پس از درویشیان چگونه خواهد بود. سخت ... جهان پس از امثال درویشیان جهان روایت کدام نسل است.

شاعر میخانه یا عارف مستانه!؟

حیدر عرفان



از زبان آنانی که با شمس الدین محمد گفتگو می کرده اند وی را از شیراز دانسته اند. در پیرامون سرگذشت او در رهگذر زندگی ما جوانی «هر کسی از ظن خود شد یار من»

در یکی دو سال پیش یادروز حافظ در بوشهر بود. بدون این که بدانم این نشست درباره حافظ- از مادر کازرونی و پدر اصفهانی- باشد، شرکت کردم. (ساختمان امیریه بوشهر). کسی با پوشانه ی نه چندان پسند نشست های گروهی در کنارم نشسته بود. (رج اول)

گفته شد که ایشان دبیر کل انجمن حافظ شناسی است. برای این که بدانم چند مرده حلاج می باشد، پرسیدم «الا یا ایها الساقی، از کیست؟ با غرور پاسخ داد: حافظ.

گفتم که از «یزید معاویه» می باشد. با دیگرگونی که به نام حافظ در دیوانش آمده است».

ایشان سخت جبهه گرفت و پاسخ منفی داد.

از آنهنگام تا پایان سخنرانی ها و شعرخوانی ها، دیگر با من سخن نگفت.

در شگفت بودم که گویندگان با اندازه های دریافته های مقلدگونه و تلقین، چنین و چنان، سخن ها می گویند و شعرها می خوانند.

در پی آن آمدم که ریشه و پایه «الا یا ایها الساقی» را کامل بدانم.

«مروج الذهب مسعودی» در این رهگذر به یاریم آمد. در دفتر دوم یادمان مورخ، رویه ۷۱ دست چپ خواندم که: عبیدالله زیاد پس از فیروزی در پیکار عاشورا، گزارشگر رخداد به «یزید خلیفه» دشمنکین با پیشوای اولیا بود.

یزید که از پیروزی آگاهی یافته بود با سرخوشی، ناالندیشیده، در خانه ای (بیت) بر زبان آورد:

اَنَا المسموم ما عندی بتریاق
و لا راقی
ادر کاسا و ناولها (ناولنا) الا یا ایها الساقی

من زهرنوش شده ام که پادزهر ندارم و چاره ای هم از دستم بر نمی آید.

اَیا، پیمانه رسان، در جام شراب بریز و ما را بنوشان.

پیش از آن که نشست یَاد شده، چند سال پیش در شهر «ساوه» به یک یادروز برای سلمان ساوه ای فراخوان کرده بودند.

من نیز یک پژوهش پیرامون دستبردهای «انتحال» حافظ داشتم.

در آن پژوهش چندین ساله، سی و پنج شاعر پیش، و همزمان حافظ را شناسایی کرده بودم.

از آنها «سلمان ساوه ای» بود که بیشترین برداشت از سوی حافظ، دستبرد- نه بهره گیری- شده بود. یک نگاشته (مقاله)، چندین رویه (صفحه) نوشتم و به جشنواره فرستادم.

در پی آن تقدیرنامه و بلیت پروازی به نشانی ام فرستاده شده بود.

چنان که آقای استاد دکتر احمد حسینی کازرونی یادآوری فرمودند، مرا نیز در گروه اجرایی جای داده بودند.

چون که نتوانسته بودم در آن تاریخ باشم. لوح تقدیر را دکتر کازرونی آوردند.

رییس شیرین زبان و خوشمرام انجمن حافظ شناسی بوشهر، چند بار می فرمودند که در انجمن باشم. پاسخ این بود که با این گواهه های بدست آورده، شاید نشست یا انجمن بهم بخورد و نیامدنم و پاسخ ندادنم از آن روی باشد.

نکته غم انگیز، پیوسته تن و جانم را سرکوب می کند، اینست که آموخته شدگان ما در زمینه ها و پایه های والا چشم و گوش به شنیدنی و رسم نشخوارگری دارند.

هنوز تا هنوز است از سالهای دیر روزگار «محمد از مادر کازرونی و پدر اصفهانی» ناآگاهند. همه گاه می گویند «حافظ شیرازی»! درست که «کازرون پر نام. جاوار دیرگاه- دست کم از نام هخامنشیان- پارسیان ریشه دارد.

نَوَرد، گازران، دو نام پیشین این شهر بوده است. پایتخت شدن «شهر شاپور/بی شاپور/شاپور/بی شابور روزگار اَوج این سامان میان گرمسیر و سردسیر بود.

«و نه گرم، نه سرد و همیشه بهار».

در روزگار دستیازی تازیان (اعراب) تازه مسلمان سرزمین پارس- بوشهر کنونی و کازرون (شاپور شهر).

شهر گازران بدین دستاویز بود که پارچه ی توزی - توسی در کارگاههای این شهر پرداخت و بافته می شد.

این رشته های درون گلدانه ی (گوی) درخت استبرک

- عربی شده اش استبرق- پس از شستن و جدا کردن در چندین کارگاههای نورد- گازران (رخت شویی خانه) بافته به فرامرزی مانند ایتالیا فرستاده می شد. (نک: نخلستان در استان بوشهر از حیدر عرفان ۱۳۸۵)

چکیده شناسه زندگی محمدشمس الدین حافظ این است که پدرش در کودکی زندگی را وامی گذارد. مادر کازرونی فرزند یتیم را به برادرش می سپارد.

برادر مادر (دایی) در کار پرورش و برازش خواهرزاده می کوشد چون که محمد به بالندگی و بالایی می رسد، برای کار و درس به شیراز رهسپار می گردد در آنجا شاگرد نانوایی می شود. به واداری همکارش هوس نارواییی می کند. بیرون



شهر چند خانه کنار هم جای تن فروشهای زن بود. محمد یواشکی راه خانه ها پیش می گیرد. پول گرد آورده هم با خود دارد.

در میانه ی راه گروهی را می بیند که زیر سایه درخت می زنند و می رقصند.

محمد، راه خود می گیرد و به دف زنان و خوانندگان روبر می گرداند (اعراض کازرونی) تنبور زنان، همگی برخاسته محمد را دنبال می کنند. او را می گیرند، می خوابانند و با زور و فشار، ماده ی شورانگیز در دهانش می ریزند.

محمد بر می خیزد. اما او دیگر محمد پیشین نبود. هر گفته اش ترانه می نماید و هر چه بر زبان می آورد، شعر است و شعر.

این افسانه را درویش باباکوهی همسفر شیراز - بوشهر برایم بازگو نمود.

ما بچه های شهرستانی دانشجوی رشته ادب پارسی. گروهی هفت تا نه تن بودیم. تابستان ها که امتحان پایانی بانجام می رسید، بسیار ساده زیرپایی و خوراک سردستی بر می داشتیم و به باغها و دامنه ی کوه روانه می شدیم. سال نخست باغ سرهنگی قصرالدشت، سال دوم جوبار پیشانی بیمارستان مسلولان، سال سوم کوهپایه ی «باباکوهی» بود.

در این گذرگاه کوه زار، سرو و گردو و ... پرشمار بود.

به میانه ی «باباکوهی» که می رسید. دنباله سر بالایی سخت تر می شد تا به اتاقک درویش باباکوهی می رسید. درویش همسفرم همان بود که آنهنگام دیدارش کرده بودیم.

عکس گروهی برداشته از خودم را در رویه پایانی «نغمه ی نیلوفری» چاپ کرده نامشان را نوشته ام. درویش همسفر

یک بازنمایی – تفسیر- از حروف پیوسته «ک ه ی ع ص» برانگاشت شیعه گری هم نمود. سالها پیش که به مکتب خانه نشانده شده بودم. پس از ختم قرآن مجید نزد سه آخوند ملا مکتبی (کُتّابی) چند



شعرنامه و نثر کوچک مانند «ملانصر الدین» در پی ختم نزد آخوند خواندم. نوبت به حافظ خوانی که رسید به روش روخوانی بدون اندیشه و ارزیابی، چند بخش آن را که «قصیده ستایشی کوتاه و بدون نسیب /تشبیب» بود، خواندم. این سروده ها «غزل» نیستند که قصیده ی کوتاه اند. این خاطره گو نیز همچون کم دانان، فایز (محمدعلی) خودمان را از حافظ بیشتر می شناختند.

در گذر زمان، دوستاری سخت به حافظ رخ داد. پاگردهای قفس در دست و فالگیر با کمک پرنده کوچک پروریده تا این اندازه، شناختم را فراهم نموده بود.

در پیش گرفتن راه فرامرزی با خوانش شعرنامه ها، نگاشته های ادبی- فرهنگی، از سامان زادگاه و پرورشگاه، به سامان گرمجوشان و مهربانان خوزستانی «مسجد سلیمان»/ هفت کل/ آبادان» راهبر شد. (۵ سال)

از آنجا به تهران ۶ سال، اصفهان- شهرستان لنجان ۲ سال، شیراز ۶ سال جابه جا شدم. بار نخستِ دور فرستی (تبعید و بارهای دِیگر بهداشتی یا درخواستی).

سرانجام به زادگاه و خاستگاهم استان بوشهر امروزی / پارس باستان پیشین رسیدم (۲۰ سال) در میان همکاران از همه «آقای محمدرضا تاجدینی» به من نزدیک شد.

پژوهش نامه ای نوشته بودند، بسیار سَخته و پخته. پژوهشنامه در پیرامون حافظ و با نام «در آینه حافظ و حافظ در آینه».

خود درباره ی حافظ زمینه ای داشتم. اما گستردگی کار نویسنده، پژوهنده ی این نامه ی نگاشته، بیشتر مرا وادار به واکاوی زندگی و سرنوشت حافظ کرد. (۱۳۷۰)

«کوچه رندان دکتر زرین کوب عبدالحسین، پیگیر این روال پژوهش و کندوکو (کندوکاو) بوده است.

حافظ، نه «ابن الوقت» که «رند» زمانه خویش است. سی سال پس از شاعر ستایشگر، نخستین کس که سروده های قصیده ستایشی بود، «محمد گلندام» رفیق حجره و گرمابه اش بود. در پس این دستنامه، دیگران هم تا اینگاه به ستایش احساسی و رویایی او پرداخته اند. هر یک نیز با دستکاری یا برداشت از سوی خویش سروده ها را کم و زیاد کرده اند و می کنند.

در این که اینان درون اندیشه و خودنمایی شاعر چند سده پیش از خویش را نمی کاوند. هر یک پشت سر دیگر یکی، کاری رونویس می کنند و به بازار می دهند که حافظ، شاعر عرفانی و نقاد یگانه بوده است. (!!!)

که چنین نبوده. تنها باید گفت با اما و اگر که شاعر میخانه یا عارف مستانه بوده است و بس.

فروتنانه از قلمداران اندیشه ورز، خواهش و سپارش می کنم، دیوان بنام حافظ و دیوان سلمان ساوه ای را پیش رو بگذارند و آندو را برابر کنند. تا ارزش این گفتار و کار یاد شده روشن گردد.

از افسانه ای که از سوی «محمد گلندام» یار حجره و گرمابه ای آسمان جل ستایشگر، پس از درگذشت حافظ، به رخ کشیده شده است. به دریافت بایسته و شایسته برسند. از ستایش شده های مانند دارنده ی خنجر و شمشیر آخته به جنگ پدر و برادر، قد راست کرده تا «آصف وزیر» و نواله دهنده ی شاعر غزلواره ها، بدرستی و بیشتر دست یابند.

با هجونامه چه باید کرد؟

ناصر علیخواه



هجونامه عنوان بیت هایی است منسوب به شاعر ملی ما ابوالقاسم فردوسی به زبان فارسی (۴۱۶ ق) در هجو سلطان محمود غزنوی (۴۲۱ ق) در متون موجود به زبان فارسی، نخستین بار نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله از پیرامون (۵۵۰ ق) شرحی از زندگی فردوسی و اختلاف میان او و سلطان محمود گزارش می کند. که پس از آن که فردوسی از ناچیزی صله سلطان که بیست هزار درم بود رنجید و آن را میان گرمابه بان و فقاهی قسمت کرد. از غزنه گریخت و از طوس به طبرستان به نزد سپهبد شهریار از خانواده آل باونر رفت. پس محمود را هجا کرد. در دیباچه، بیتی صد و بر شهریار سپهبد خواند. به گزارش نظامی عروضی فردوسی به خواست سپهبد شهریار آن بیت ها را نابود می کند. و از آن ها تنها شش بیت می ماند که نظامی عروضی آن ها را نقل کرده است.۱

دکتر جلال خالقی مطلق می نویسد: در زمانه ی ما کسانی به دلایلی در درستی گزارش نظامی عروضی و حتی در این که فردوسی سلطان محمود را هجو کرده باشد تردید کرده اند. اخیراً دکتر ابوالفضل خطیبی در بخشی از رساله ی دکتری خود که با کوشش و دقتی ستودنی همه ابیات آن را شرح و توضیح داده اند. که از دلایل عمده عدم اصالت هجونامه یکی این است که نظامی عروضی گزارش گر معتمدی نیست. زیرا بسیاری از آن چه او در کتاب خود گزارش کرده است واقعیت تاریخی ندارد.

دوم این که او می گوید به خواست سپهبد شهریار «فردوسی آن بیت ها را (هجو محمود را) فرستاد. بفرمود بشستند. فردوسی سواد (مکتوب) را بشست و آن هجو مندرس گشت و از آن جمله شش بیت بماند» پس اگر اصل و رونوشت آن هجو نابود شده بود، پس این شش بیت چگونه به جای مانده بود؟

سوم این که اگر از هجونامه تنها این شش بیت مانده بود، پس بیت های این هجو که در برخی از دست نویس های شاهنامه از: ۲۵ تا ۱۴۰ بیت می رسد.

چهارم این که بخش بزرگی از بیت های موجود هجونامه یا از متن شاهنامه گرفته شده اند و یا چنان بیان به آن ها سست و زبان آن ها متأخرند که نمی توان آن ها را به فردوسی نسبت داد.۲

به دلایل بالا و دلایل دیگر در زمانه ما چنان که دکتر خطیبی گزارش کرده اند، دانشمندانی چون: محمد تقی بهار، حافظ محمودخان شیرانی، سعید نفیسی، محمد دبیر سیاقی، مهدی درخشان، مجتبی مینوی، احمد آتش، علیرضا شاپور شهبازی، محمود امید سالار، در اصالت هجونامه موجود و حتی برخی چون ابوالفضل خطیبی در اصلِ وجود هجونامه تردید دارند، به این دلیل که: «اصلاً سلطان محمود را داخل آدم نمی دانند» که کسی چون فردوسی زبان به ذم او بیالاید.۳

در میان کسانی که نیز نامشان آمد چند تنی هستند که بیشتر در دل شور حیثیت محمود را داشته اند ولی از میان آن نام ها دو تن نیز به بررسی دقیق آن پرداخته اند: «یکی حافظ محمود خان شیرانی و دیگری ابوالفضل خطیبی که بیشتر هدف شیرانی دفاع از حیثیت محمود است تا بیطرف بودن هجونامه»۴

فردوسی در شاهنامه از سر تدبیر و دوراندیشی که نمی توانسته در قلمرو محمود زندگی کند ولی در اثرش سلطان مقتدر را نستاید و برای این که مورد انتقاد حاسدان دربار محمود قرار نگیرد.

پس از این که کار شاهنامه به پایان رسیده و از سوی محمود هیچ کمکی به او نشده و ارج هنر او را چنان که باید و شاید نشناخته اند رنجیده هجو سلطان گفته و اما نظر همه کسانی که به اصالت هجونامه باور دارند. «تئودور نولد که انگلیسی: (حماسه ملی ایران، برلین لایب تینگ ۱۹۲۰)، محمد قزوینی، حسن تقی زاده، ذبیح اله صفا، محمدامین ریاحی و جلال خالقی مطلق است»۵

که در مقدمه برخی از دست نویس های شاهنامه نیز به هجونامه اشاره شده و بیت هایی از آن نقل شده است و این نوشته تأییدی بر اصالت هجونامه است نه بر عدم اصالت آن.

در خاتمه چند بیت از هجونامه برگرفته از صفحه ۵۸ ماهنامه بخارا شماره ۱۱۵، آذر و دی ۱۳۹۵ در ادامه آورده شده است.۶

ایا شاه محمود کشور گشای
زکس گر نترسی بترس از خدای
نترسم که دارم ز روشن دلی
به دل مهر جان نبی و علی
به نام نبی و علی گفته ام
گهرهای معنی بسی سفته ام
بسی رنج بردم در سن سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
زنا پارسیان مروارید امید
که زنگی به شستن نگردد سفید
پشیزی به از شهریاری چنین
که نه کیش دارد نه آیین و دین

پی نوشت ها:

۱-نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله به کوشش محمدبن عبدالوهاب قزوینی ص ۵۶-برلین ۱۹۲۷

۲- ماهنامه بخارا شماره ۱۱۵ ص ۴۴- آذر-دی ۱۳۹۵- دکتر جلال خالقی مطلق

۳- دکتر ابوالفضل خطیبی ماهنامه بخارا شماره ۱۱۵- آذر-دی ۱۳۹۵

۴- شیروانی، حافظ محمودخان، چهار مقاله بر فردوسی

۵- ماهنامه بخارا- شماره ۱۱۵- آذر و دی ۱۳۹۵ ص ۴۹

۶- همان منبع ص ۵۸

عکسی از حیات فرهنگی و هنری بوشهر پیش از جنگ جهانی اول

سیدقاسم یاحسینی



چندی پیش آقای عبدالرضا اصلاح نوهٔ محمدرضا اصلاحِ بوشهریِ دریسی عکسی تاریخی و منتشر نشده را برایم از طریق تلگرام فرستادند که خیلی جالب است و به نوعی می توان آن را برگی ناشناخته از بوشهر در سالهای پس از انقلاب مشروطه و پیش از آغاز جنگ جهانی اول به شمار آورد.

درباره ایام اقامت محمدرضا دریسی در بندر بوشهر و به خصوص فعالیتهای سیاسی و ضداستبدادی او در خلال انقلاب مشروطیت و قبل از جنگ جهانی اول چیز زیادی نمی دانیم. از جمله مطالبی که نمی دانیم، نوع و ماهیت روابط و کنش وی با چهره های هنری، فرهنگی، آموزشی و سیاسی حاضر در بوشهر در سالهای پیش از انقلاب مشروطیت و یکی، دو سال پس از پیروزی مشروطیت و پس از وقوع کودتای لیاخوف روسی و محمدعلی شاه علیه انقلاب مشروطیت و به توپ بستن مجلس اول شورای ملی است.

اما بر اساس این عکس تازه یافت شده، که به لطف دوستان مرکز ایرانشناسی شعبه بوشهر و شخص آقای دکترعبدالکریم مشایخ به آقای عبدالرضا اصلاح اهداء شده و ایشان برای من ارسال کرده است، تا اندازه ایی می توان بر این تاریکی نوری افکند و برای این پرسش پاسخی یافت.

عکس ظاهراً در باغی در بندر بوشهر گرفته شده است. از نوع لباس و صندلی که اشخاص روی آن نشسته اند، احتمالاً این عکس در حوالی سالهای بعد از انقلاب مشروطیت و قبل از آغاز جنگ جهانی اول و در بندر بوشهر گرفته شده است. خوشبختانه چهار نفری که در عکس حضور دارند، در زیر همین عکس معرفی شده اند. آقای عبدالرضا اصلاح در تماس تلفنی که در ساعت ده و نیم شب ۲۷ مهر ماه ۱۳۹۶ با من داشتند، فرمودند که:

ـ این خط، بدون شک خط پدر بزرگم محمدرضا اصلاح می باشد.

نوه ایشان سالهاست که با آثار خطی پدربزرگشان سر و کار دارند و به خوبی خط ایشان را می شناسند. نفرات داخل کادر عکس از راست به چپ عبارتند از: میرزا فتح الله عکاس (چهره نگار)، میرزا محمدرضا اصلاح، شیخ عبدالکریم سعادت و میرزا نصرالله چهره نگار.

گفتم که احتمالاً این عکس اندکی قبل از جنگ جهانی اول در ایران گرفته شده است. چرا؟

دلیلش این است که تا قبل از انقلاب مشروطیت و حتی در خلال انقلاب مشروطیت، که محمدرضا در بندر بوشهر اقامت داشت، به محمدرضا دریسی معروف بوده است. دریسی پس از کودتای لیاخوف و محمدعلی شاه علیه مجلس شورای ملی اول، به خاطر فعالیتهای مشروطه خواهانه ای که در بوشهر داشت، که از ماهیت و کم و کیف آن اطلاعی نداریم، از بوشهر به هندوستان رفت و در شهر بمبئی ساکن شد. وی در اعتراض به رژیم کودتایی محمدعلی شاه، روزنامه اپوزیسیون «اصلاح» را چاپ و منتشر کرد و زان پس به محمدرضا اصلاح معروف شد.

در سالهای قبل و پس از انقلاب مشروطیت، چنین مرسوم بود که برخی از مدیران و یا ناشران روزنامه ها، به همان نام روزنامه خودشان معروف می شدند. مثلاً آقا لبیب الملک شیرازی به «مظفری»، سیدمحمدرضا برازجانی به «مساوات»، میرزا جهانگیرخان شیرازی به «صور اسرافیل» و محمدرضا دریسی به «اصلاح» معروف شدند.

نخستین شمارهٔ روزنامه اصلاح به سردبیری محمدرضا بوشهری دریسی به تاریخ محرم ۱۳۲۷هجری قمری در شهر بمبئی چاپ و منتشر شد و انتشارش حدود سه سال طول کشید. با فتح تهران توسط مشروطه خواهان و خلع محمدعلی شاه از سلطنت و «شاه» کردن کودک دوازده ساله اش، احمدشاه قاجار، محمدرضا اصلاح، عملاً دید که دیگر نشر روزنامه اپوزیسیون در بمبئی فایده ندارد و برای ادامه فعالیتهای ژورنالیستی خود تصمیم گرفت به ایران برگردد.

از این روی محمدرضا اصلاح پس از چند سال اقامت در هندوستان، در اواخر سال ۱۳۲۹ هـ.ق. برای ادامه مبارزه ضدانگلیسی خود به بوشهر و ایران بازگشت. وی از بوشهر به تهران رفت و از روز بیستم ذیحجه ۱۳۲۹ در تهران نشریه اصلاح را به طبع رساند. به روایت رکن زاده آدمیت، تقریباً هم زمان با شروع جنگ جهانی اول در جنوب ایران، تابستان ۱۳۳۳ هـ.ق. محمدرضا اصلاح در بوشهر حضور داشت. موضوعی که البته نیاز به پژوهش بیشتر دارد. هر چه بوده، این عکس به احتمال قوی مربوط به همین سالهای پیش از شروع و «غُرش طوفان» بوده است.

همین جا فرصت را مغتنم بشمارم و یک خطای تاریخی خودم را که سالها پیش مرتکب شده بودم، تصحیح کنم. من در سال ۱۳۷۴ و در کتاب «صد سال مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه نگاری ایران» با اتکار به یکی از نوشته های شادروان محمدحسین رکن زاده آدمیت (دلیران تنگستانی، ص ۱۶۲)، نوشته بودم که محمدرضا اصلاح پس از بازگشت از بمبئی و ورود به بوشهر برای چندی در بندر بوشهر روزنامه اصلاح را چاپ و منتشر کرده است. این جملهٔ من بعدها در منابع مختلف مورد استناد قرار گرفت. اما اکنون و پس از تحقیقات عدیده و علی الخصوص تماسهای مکرر با نوه محمدرضا دریسی متوجه شدم که مرحوم رکن زاده آدمیت در این زمینه خاص دچار اشتباه شده و مرا نیز به خطا انداخته است! باید اعلام کرد که: محمدرضا بوشهری دریسی هیچ نسخه ای از روزنامه اصلاح را هرگز در بوشهر چاپ و منتشر نکرده است. در آرشیو نوه ایشان نیز، هیچ نسخه ای از چنین روزنامه فرضی! موجود نیست.

از آن چهار نفری که در عکس هستند، نفر اول و چهارم (میرزا فتح الله عکاس (چهره نگار) و میرزا نصرالله چهره نگار)، را کم و بیش می شناسیم که متعلق به خاندان معروف چهره نگار بوده اند. چنان که در تواریخ محلی آمده، بزرگ خاندان چهره نگار، میرزا حسن عکاسباشی، مشهور به «چهره نگار» در جوانی سالها در بوشهر حضور داشته و به شغل صحافی مشغول بوده است. پس از آن که در بحرین و هندوستان آموزش عکاسی علمی دید نیز به بوشهر برگشت و مدتها در این شهر کارگاه عکاسی داشت و شاگردانی تربیت کرد که یکی از آنان حاج یحیی فیروزی بود. چهره نگار بعدها به کازرون و سپس به شیراز رفت و در شمار معروفترین عکاسان منطقه درآمد. خاندان چهره نگار دائم در خط سیر شیراز، کازرون و بوشهر در تردد بودند و برخی از آنان، از جمله این دو نفری که در عکس حضور دارند، مدتی مقیم بوشهر بودند.



نفر سوم از سمت راست در این عکس، شیخ عبدالکریم سعادت، یکی از ارکانهای تأسیس، مدیریت و آموزش در مدرسه سعادت مظفری بوشهر بود که شهرتش عام است و نیاز به معرفی ندارد.

از این عکس به خوبی می توان دانست که محمدرضا اصلاح بوشهری هنگام برگشت از هندوستان و اقامت در بوشهر، با برخی از رجال و چهره های فرهنگی، آموزشی و هنری بوشهر مراوده داشته است. البته از نوع مراوده ایشان، اطلاعی نداریم. همچنین عکاس این عکس تاریخی و با ارزش نیز ناشناخته مانده است. شاید عکاس از خاندان چهره نگار بوده باشد.



یک نکتهٔ تاریخی بسیار مهم درباره این عکس، عکس خود محمدرضا اصلاح بوشهری دریسی است. تا کنون به همّت آقای عبدالرضا اصلاح، از آرشیو خانوادگی ایشان، چند عکس معدود از این روزنامه نگار مبارز و دلیر، چاپ و منتشر شده است، اما همه آن عکسهای معدود، متعلق به نیمه دوم زندگی و ایام پیری وی است. ما تا امروز، هیچ عکس و پُرتره ای از ایام جوانی محمدرضا اصلاح در اختیار نداشتیم. می دانیم که محمدرضا دریسی در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در بوشهر متولد شده است. وی در اواخر سال ۱۳۲۹ از هندوستان راهی بوشهر و ایران شد، یعنی در این هنگام حدود ۳۵ سال سن داشت. در این عکس، محمدرضا حدود سی و چند ساله را می بینیم که مغرور و مطمئن، کنار دو نفر از خاندان چهره نگار و شیخ عبدالکریم سعات نشسته و به لنز دوربین خیره شده است. او به رسم پوشش مردان آن زمان در ایران و بوشهر، دستار و عمامه ای سفید بر سر دارد و لباسش نیز سنتی است.

همچنین عکس شیخ عبدالکریم سعادت نیز از ارزش تاریخی خاصی برخوردار است، زیرا از وی نیز در این سن، عکس نداشتیم. اکنون و با انتشار این عکس تاریخی، ما صاحب و دارای دو عکس از دوران جوانی دو چهرهٔ ژورنالیستی و آموزشی بوشهر در سالهای پیش از شروع جنگ جهانی اول هستیم.

ممنون از آقای عبدالرضا اصلاح که با انتشار این عکس، کمک خوبی به شناخت بهتر و بیشتر ما از تاریخ فرهنگی بوشهر در سالهای پیش از شروع جنگ بین الملل اول کردند.

علی اسماعیلی روزنامه نگار اصلاح طلب بوشهر:

وقتی مدیرکل ارشاد بجای حمایت، با مطبوعات برخورد کند باید نگران وضعیت فرهنگ و هنر استان بود



علی اسماعیلی روزنامه نگار اصلاح طلب در مصاحبه با نصیر بوشهر ضمن اعتراض به این اقدام اظهار داشت: به گمانم خانم ماحوزی مدیرکل ارشاد بوشهر خود را یک اصلاح طلب قلمداد می کند، از این رو بهتر است اول مشی اصلاح طلبی را با هم مرور کنیم. به گمانم مهمترین آن همان "زنده باد مخالف من" باشد. حال به برخورد خانم مدیرکل با منتقدین خود که اتفاقا از نشریات هزینه داده اصلاح طلب در سالهای گذشته هستند، برگردیم به راحتی می توان گفت که این اقدام مدیرکل ارشاد نه زیبنده است و در مشی تفکراتی جریانی که او مدعی حمایت از آنها است، جای می گیرد. پس ادعای خانم رییس فرهنگ استان با عمل او همخوانی ندارد! این نحوه برخورد از سوی هر مدیری باعث نشستن نمره منفی در کارنامه او می گردد، اما وقتی عامل این برخورد متصدی اداره فرهنگ و ارشاد استان باشد که باید خودش مدافع آزادی و حامی مطبوعات باشد، باید نگران وضعیت فرهنگ و هنر استان بود.

این روزنامه نگار فعال در ستاد روحانی افزود: تمام سینه خود را چاک داده ایم تا دکتر روحانی رییس جمهور شود که تلاش کنیم گام به جلو برداریم و حداقل به عقب هم باز نگردیم، اما برخورد مدیرانی همانند مدیرکل ارشاد دولت تدبیر و امید با مدیرکل ارشاد دولت احمدی نژاد، نه تنها همانند است و هر دو منتقد را تحریم کرده اند، که حداقل مدیرکل ارشاد احمدی نژاد نشریات مخالفان آن دولت که همین نشریات اصلاح طلب بودند را تحریم کرد و نه مطبوعات همسو با دولتی که مدیرکلش بود. یعنی ما در فرهنگ و هنر استان به عقب بازگشته ایم؟ اگر حال و روز سایر اصحاب فرهنگ و هنر نیز چنین بوده و باشد پس باید به حال فرهنگ و هنر استان باید زار گریست.

علی اسماعیلی در ادامه با اشاره به شعار دولت روحانی در استقبال از انتقاد و منتقدان اظهار داشت: خانم ماحوزی یا می تواند به این شعار عمل کند و یا نمی تواند، اگر می تواند همگام با همه اهالی فرهنگ باشد و نقد منتقد را جانانه خریدار باشد و بر اساس وظایفش پاسخگو، و اگر نمی تواند با شعار دولت همراه شود و برنامه و سیاست شخصی خودش را که ربطی به برنامه های روحانی ندارد دنبال می کند، از ایشان تقاضا می کنم اگر دغدغه مند فرهنگ استان هستند ولی شرایط را برای ادامه کار خود و همسویی با همه اصحاب فرهنگ و هنر مهیا نمی بینند، راه را برای دیگران باز کند و خود قبول استعفا فرماید تا بیش از این فرصت خدمت به همه به خصوص اصحاب جراید از بین نرفته باشد.

به گزارش نصیر بوشهر این روزنامه نگار اصلاح طلب در پایان افزود: در مشی اصلاح طلبی احترام و جایگاه خاصی برای آزادی بیان و پس از بیان وجود دارد. این دو شعار را در کنار زنده باد مخالف من قرار دهیم، نتیجه گیری برخورد با منتقد و مخالف برای مدیرکل فرهنگ و ارشاد دولت تدبیر و امید که اتفاقا دایه اصلاح طلبی نیز دارد باید این شود که من از شما حمایت می کنم تا شما از من انتقاد کنید و من خود را با انتقادهای شما خواهم ساخت. اکنون اصلاح طلبان انتظار دارند تا مدیرکل دولت تدبیر و امید همانطور که از نشریات اصولگراها حمایت می کند و زمینه انتشار آنها و انتقاد از دولت روحانی را با حمایت های خود فراهم می کند، دست از تحریم و برخورد با مطبوعات اصلاح طلب حامی دولت روحانی در بوشهر هم بردارد و اجازه دهد تا آنها نیز در حمایت از برنامه های اصلاح طلبانه دولت روحانی منتشر شوند. امیدوارم با خرد مسئولین امر و توصیه های لازم چه از سوی جناب استاندار یا وزیر فرهنگ و ارشاد و یا ... سریعا اقدامی جهت رفع مشکلات و جبران خسارات وارده به این جراید مردمی و دوست داشتنی و همراه با اصلاحات برداشته شود.



اعتراض عضو شورای شهر بوشهر به برخورد سلیقه ای و تحریم تعدادی از مطبوعات بوشهر توسط مدیرکل ارشاد



به یمن برگزاری نمایشگاه مطبوعات در تهران افتخاری حاصل شد تا از فعالیتهای مطبوعات استان و کشور بازدید نمایم که علاوه بر عرض خسته نباشید به فعالان حوزه رسانه ی کشور عزیزم ایران بررسی اجمالی بر روند و دغدغه های رسانه ای داشته باشم، چیزی که به عنوان یک نماینده مدنی مردم شریف بوشهر در نهاد شورا بتوانم به درک دغدغه ها و نیازمندی های فعالین رسانه و خود رسانه ها و مقایسه در عرصه ملی بپردازم. آنچه بیش از هر چیز در این نمایشگاه دیده شد غیاب بزرگ بسیاری از نشریات بود که علت آن عدم تصدی گری صحیح وزارت فرهنگ و ارشاد در عرصه مطبوعات را نشان می داد. متأسفانه شرایط نامساعد اقتصادی بر رسانه های غیردولتی اثرگذار بوده است و آنها را با مشکلات عدیده ای روبرو کرده است. از استان ما نیز نشریات غایب بسیار بودند نشریات و رسانه هایی که رکن اصلی جامعه مدنی محسوب می شوند ولی بعلت تخصیص سلیقه ای آگهی و کمکهای مالی تمکن حضور در نمایشگاه را نداشتند و این امر برای دیار دریا و فرهنگ، شهری که از زمان مشروطه صاحب نشریه بوده است زیبنده نبود.

دغدغه های فعالین رسانه ای کشور و استان حاضر در نمایشگاه نیز گویای عدم تعادل تخصیص حمایت دولت در حوزه فرهنگ بود. فرهنگ زیربنای رشد و توسعه یک کشور و ملت به شمار می رود و عدم توجه به آن باعث می شود تا به مرور زمان مشکلات اجتماعی در نبود آگاهی شکل بگیرد. کاش دولت تدبیر و امید بر مبنای رسالت خود رکن اصلی جامعه مدنی را مورد عنایت ویژه قرار می داد و در سطح استانها نیز مدیران فرهنگی و دغدغه مندی را به کار می گمارد تا امر تصدی گری فرهنگی با رویکرد توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل بگیرد و شاهد برخی بی عدالتی های تخصیص اعتبارات و آگهی ها نباشیم. چرا رسانه به عنوان مهم ترین منبع آگاهی مردم نباید دارای بسته های حمایتی ویژه باشد، آنچنانکه می دانیم بن مایه رشد و توسعه دو پدیده دبستان و روزنامه بوده و خواهد بود ...

در پایان امیدوارم مشکلات سپرده گزاران مؤسسات مالی نیز با تدبیر دولت حل شود که نمود حضور مالباختگان بیش از بازدیدکنندگان بود.

ندا عبداله زاده

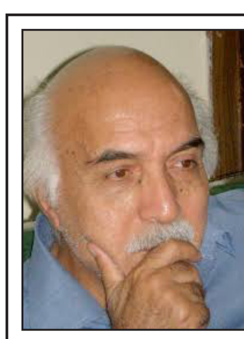
عضو شورای اسلامی شهر بوشهر

درخواست حسین حشمتی عضو سابق شورای مرکزی خانه مطبوعات بوشهر:

مدیرکل ارشاد بوشهر، اطلاعات حمایت از مطبوعات را به صورت شفاف منتشر کند

حسین حشمتی عضو سابق شورای مرکزی خانه مطبوعات بوشهر درباره اعتراض تعدادی از نشریات اصلاح طلب استان بوشهر به تحریم و برخورد مدیرکل ارشاد با این نشریات، اظهار داشت: واقعیت این است که معاونت محترم مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به اساسنامه ای که در دوره جدید برای خانه های مطبوعات به تصویب رسانیده و به مرحله اجرا گذاردند فی الواقع بر کلیه مقدرات رسانه ها و روزنامه نگاران نه تنها نظارت بلکه دخالت می نمایند و به همین دلیل هم هست که اخذ و توزیع آگهی های دولتی توسط ادارات کل ارشاد استانها منوط به شرایط و قواعدیست که در دستورالعمل های ابلاغی وجود دارد به این ترتیب که همان قواعد و ضوابط، دست مدیران استانی را در اعمال سلیقه برای توزیع آگهی میان نشریات باز می گذارد به گونه ای که از یک سو





می توانند به نشریات موافق خویش آگهی بیشتری بدهند و از دیگر سو در مقابل اعتراض نشریه های منتقد عذر بیاورند که واجد شرایط لازمه نمی باشند.

این روزنامه نگار افزود: تا زمانی که مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لیست شامل و کاملی از نحوه ی توزیع آگهی ها طی چند ساله اخیر را منتشر نکنند، نمی توان درخصوص تحریم یا عدم تحریم نشریات تعدادی از نشریات، اظهار نظر نمود و تنها خواسته ای که می توان از ایشان داشت همان است که اطلاعات مورد نیاز را به صورت شفاف در دسترس عموم اصحاب رسانه و سایر علاقه مندان قرار دهند.

وی افزود: مدیر خانه مطبوعات استان با توجه به وظیفه ای که طبق اساسنامه در رابطه با حمایت از کلیه رسانه های نوشتاری و الکترونیکی برعهده دارند می باید برای جذب آگهی های نفتی و گازی مستقر در استان تمهیدات و اقدامات لازمه را به عمل آورند و در عین حال با مدیرکل ارشاد استان نیز در مورد واگذاری امور اخذ و توزیع آگهی هایی که به اداره کل ارسال می گردد وارد مذاکره و تعامل شوند و درصورت لزوم از طریق وزیر و معاون مطبوعاتی ایشان موضوع را تا حصول نتیجه پیگیری نمایند.

حسین حشمتی در پایان گفت: گمان می کنم چنانچه معاونت محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن بازنگری و اصلاح اساسنامه خانه های مطبوعات، محدودیت های مندرج در آنها را حذف نموده و آزادی عمل کامل «البته با توجه به قانون مطبوعات» به مدیران و اهالی مطبوعات بدهند تا همانگونه که درگذشته نه چندان دور سابقه داشته، با انجام انتخابات قانونی و ایجاد تشکل های مورد نیاز از طریق تشکیل مجامع عمومی، خود مسئولیت امور را برعهده بگیرند نه تنها بار سنگین آن وزارت و ادارات کل استانی سبک تر خواهد شد بلکه بخش عمده ای از مشکلات و گرفتاری های اهالی رسانه مرتفع خواهد گردید.

۶
نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۵۱ شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

هر گونه تهدید به خودکشی نوجوانان را جدی بگیرید

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: هرگونه رفتار آسیب زننده به خود یا هرگونه تهدید به خودکشی از سوی نوجوانان باید جدی گرفته شود و باید او را برای دریافت خدمات درمانی به روانپزشک ببریم.

به گزارش به نقل از ایرنا از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، احمد حاجبی این مطلب را در پی انتشار خبر اقدام به خودکشی دو نوجوان در روزهای اخیر در رسانه ها بیان کرد.

وی درباره نحوه انعکاس اخبار خودکشی در رسانه ها توضیح داد: اگر رسانه ها به پررنگ کردن حاشیه های مربوط به افرادی که خودکشی کرده اند بپردازند، نه تنها کمکی به کاهش این رفتار نمی کند که ممکن است در مواردی، موجب افزایش پدیده خودکشی های تقلیدی به خصوص در نوجوانان نیز بشوند.



مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت ادامه داد: آنچه که به مردم جامعه امروزی ایران کمک می کند، این است که به دنبال انتشار اخبار مربوط به خودکشی، رسانه ها در یک اقدام همگام با یکدیگر، مخاطبان را به توجه بیشتر به امر پیشگیری در سلامت روان سوق دهند و در جهت ارتقای سطح سواد سلامت روان مردم و درک نیاز به دریافت خدمات تخصصی برای درمان مشکلات مربوط به حوزه سلامت روان بکوشند تا نظام سلامت نیز بتواند خدمت خود را به دست خدمت گیرندگان نیازمند برساند.

حاجبی در ادامه در خصوص علل و انگیزه های سبب ساز رفتارهای خودکشی تصریح کرد: خودکشی و رفتارهای آسیب زننده به خود (خودزنی) در نوجوانان، اغلب نشانه ای از ابتلای فرد به یک اختلال روانپزشکی است، یعنی عوامل برون زاد و درون زاد مختلفی می توانند دست به دست هم دهند و باعث شوند که نوجوان اقدام به خودکشی کند.

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت اظهارکرد: اختلالات روانپزشکی مانند، افسردگی اساسی، در صدر این علل قرار دارند، هر چند بسیاری از موارد اقدام به خودکشی منجر به فوت نمی شود، اما هر یک اقدام به خودکشی، خطر اقدام بعدی را در خود فرد و یا اطرافیان او و چندین برابر می کند.

وی در خصوص نوعی از خودکشی در نوجوانان تحت عنوان خودکشی تقلیدی گفت: خودکشی تقلیدی، نوعی از خودکشی است که در نوجوانان به دنبال انعکاس نامناسب اخبار مربوط به خودکشی یا حتی به دنبال خودکشی یکی از همسالان و به دلیل ویژگی تقلیدپذیری بیشتر در نوجوانان ممکن است رخ می دهد.

بیشترین میزان خودکشی در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت در خصوص آمار اقدام به خودکشی گفت: بیشترین میزان اقدام به خودکشی در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال است و همچنین آمار، نشان دهنده بالاتر بودن میزان اقدام به خودکشی در زنان است که یکی از دلایل آن می تواند بالاتر بودن میزان شیوع افسردگی در آنان باشد.

وی ادامه داد: در افراد جوان و نوجوان، بدتنظیمی خلق و رفتارهای تکانشی بیشتر است و همین امر سبب می شود که آمار اقدام به آسیب به خود و اقدام به خودکشی نیز در آنها بیشتر باشد، چرا که در این گروه سنی، تصمیمات هیجانی و ناگهانی بیشتر رخ می دهد.

وی خاطرنشان کرد: گاهی خودکشی ها در نوجوانان به صورت تقلیدی و به دنبال پخش اخبار توأم با شور و هیجان و دراماتیزه کردن اخبار مربوط به خودکشی های خاص، بدون بررسی سبب شناسی آنها رخ می دهد و انتشار اخبار و عکس های منتشر شده از فرد متوفی و قهرمانانه جلوه دادن اقدامش در پایان دادن به زندگی اش و احیانا او را قربانی اجتماع نشان دادن، اشتباه رسانه ای است و نوجوان و جوان به اشتباه تصور خواهد کرد، پایان دادن به زندگی، عاقبت طبیعی یک فرد تحت فشار اجتماعی است و خودکشی رفتاری مورد تشویق رسانه ها و سبب شهرت او خواهد شد.

حاجبی خاطر نشان کرد: در حال حاضر در کشورمان، برنامه ملی پیشگیری از رفتارهای خودکشی مبتنی بر راهبردهای توانمندسازی جمعیت عمومی، شناسایی اختلالات و مراقبت فعال بیماران اقدام کننده به خودکشی برای پیشگیری اولیه و ثانویه از بروز رفتار خودکشی در حال اجراست و مطالعات جهانی نشان می دهد که اغلب کسانی که اقدام به خودکشی نموده اند، اغلب در فاصله یک ماه قبل از آن به یک دلیل دیگری به یک پزشک مراجعه کرده بودند و این اهمیت شناسایی بیماران و ارجاع کارآمد و به موقع بیماران را نشان می دهد.

وی ادامه داد: مهمترین کاری که می توان برای دانش آموزانی که با اختلالات روانپزشکی شایع یا افکار خودکشی مراجعه می کنند انجام داد، این است که به آنها مهارت های زندگی و خودمراقبتی را بیاموزیم، در جهت درمان اختلالات آنها اقدام کنیم و به خانواده های نوجوانان دارای مشکلات رفتاری و خصلت های تکانشی بیشتر، مهارت های فرزندپروری بیاموزیم تا بتوانند تعامل سازنده و غیر تخریب کننده ای با نوجوان خود داشته باشند.

حاجبی گفت: با این تفاسیر، وزارت بهداشت به تنهایی نمی تواند در کاهش میزان خودکشی موفق باشد، چون شواهد علمی موجود در داخل و خارج از کشور بیانگر این واقعیت هستند که عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و خانوادگی بر این پدیده تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند و لذا برای کنترل آن، نیاز به همکاری همه دستگاه ها و ارگان ها با وزارت بهداشت نیاز هست.

وی تأکید کرد: با توجه به موارد اقدام به خودکشی در دوره نوجوانی، برخی دستگاه ها مانند آموزش و پرورش می توانند نقش مهم و مؤثری در زمینه پیشگیری از خودکشی داشته باشند، در صورت عدم توجه به این امر مهم و عدم همکاری آنان، بسیاری از برنامه های بهداشتی پیشگیری کننده برای گروه نوجوانان اثربخش نخواهد بود.

خانواده‌ها کمتر به مسائل روان‌شناختی فرزندان توجه می‌کنند

شیوا دولت‌آبادی رئیس هیأت مدیره انجمن روانشناسی ایران درباره پدیده خودکشی کودکان و نوجوانان طی یک سال اخیر گفت: معمولا پشت رفتارهای کودکان و نوجوانان انگیزه‌هایی وجود دارد که تا حدود زیادی مربوط به ویژگی‌های روان‌شناختی سنی آنان است. به عنوان مثال اگر کودکی خردسال به صورت غیرمترقبه دست به خودکشی بزند به این مسأله باز می‌گردد که مفهوم مرگ و پایان زندگی را نمی‌داند.

به نقل از ایلنا، وی ادامه داد: نوجوانان مجموعه‌ای از تغییرات را تجربه می‌کنند و در این مرحله ممکن است به دلایلی همچون تغییرات شکلی، تغییر جایگاه اجتماعی، توجه به جنس مخالف، نگرانی از آینده و... از خود ناراضی باشند، لذا در این سنین می‌توانیم به صورت طبقه‌بندی شده دریابیم که تا چه میزان ویژگی‌های همراه با رشد می‌تواند در اقدام به خودکشی این رده سنی مؤثر باشد.



دولت‌آبادی با اشاره به نبود تحقیقات دقیق و همه‌جانبه در این خصوص در کشور گفت: جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد؛ در بسیاری مواقع اقدام به خودکشی نوجوانان به دلیل نگرانی درسی، نگرانی از تنبیه و نداشتن اعتماد کافی نسبت به خود برای بیان نگرانی‌ها و مسائل‌شان در خانواده و مدرسه است و اینکه این افراد متأسفانه چشم‌انداز دلپذیری برای آینده خود نمی‌بینند.

اقدام به خودکشی در بستر افسردگی صورت می‌گیرد

مدیرعامل انجمن روانشناسی ایران با بیان اینکه اگر فردی نسبت به آینده خود امیدوار باشد؛ سختی‌های زندگی را راحت‌تر تحمل می‌کند تا وقتی که وی نگاهی ناامیدانه و افسرده به آینده خود داشته باشد، اظهار کرد: معمولا اقدام به خودکشی را در بستر افسردگی می‌بینیم؛ یعنی باید زمینه‌ای برای ناامیدی فراهم شده باشد که فرد دست به چنین اقدامی بزند.

وی با تأکید بر اینکه اگر چشم بینا داشته باشیم، می‌توانیم؛ تغییرات خلقی را در برخی از نوجوانانی که اقدام به خودکشی می‌کنند مشاهده کنیم افزود: در بسیاری موارد افت تحصیلی و علایق می‌تواند؛ نشان دهد که بچه‌ها در دام افسردگی افتاده‌اند، بنابراین اگر شرایط را به گونه‌ای فراهم نکرده باشیم که بچه‌ها به زندگی دلبسته شده باشند و نخواهند به آن پایان بدهند؛ حداقل می‌توانیم آن‌ها را در مرحله‌ای که در معرض خطر هستند با نگاهی دقیق‌تر مورد توجه قرار داده و به آن‌ها کمک کنیم.

دولت‌آبادی خاطرنشان کرد: اینکه ما کودکانمان را در برابر سختی‌ها مقاوم بار بیاوریم تا با کوچک‌ترین ضربه‌ها نشکنند؛ فرآیند تربیتی درازمدتی را می‌طلبد که طی این فرآیند با همدلی تنگاتنگ والدین و مشاوران مدرسه، کودکان و نوجوانان از فراز و نشیب‌های زندگی آگاه شوند و دریابند که شکست و پیروزی معنای زندگی است. باید به آن‌ها بیاموزیم؛ چگونه مشکلات خود را حل کرده و درباره آن با دیگران حرف بزنند. باید آنان یاد بگیرند که چگونه می‌توانند؛ جرأت ورزی داشته و مشکلاتشان را به صورت لاینحل نبینند.

خانواده‌ها کمتر به مسائل روان‌شناختی فرزندان توجه می‌کنند

این روان‌شناس با تأکید بر اینکه آمارها نشان می‌دهد که خودکشی نوجوانان حتی بدون افسردگی درازمدت نوعی واکنش حاد نسبت به مسائل حادی است که با آن روبرو شده‌اند، عنوان کرد: این گونه مسائل به وسیله رابطه تنگاتنگ نوجوانان با بزرگ‌ترها می‌تواند؛ پیشگیری شود، یعنی فرد باید اعتماد کند که کسانی هستند که مرا با تمام مشکلاتم دوست دارند و تکیه‌گاه من هستند، اگر این موضوع وجود داشته باشد؛ کمتر شاهد واکنش شدید نسبت به انواع شکست‌ها خواهیم دید.

رئیس هیئت مدیره انجمن روان‌شناسی ایران با اشاره به اینکه بر اساس الگوی یک سال اخیر معمولا نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله دست به خودکشی زده‌اند، اضافه کرد: داشتن همدلی کافی و پیوست با زندگی و اندیشیدن به این موضوع که پس از مرگ من آنان که مرا دوست دارند؛ چه خواهند کرد، همگی موانعی برای خودکشی نوجوانان هستند.

وی با تأکید بر اینکه هر چه رو به جلو آمده‌ایم؛ خانواده‌ها کمتر به زیربناهای روان‌شناختی فرزندانشان توجه کرده‌اند، گفت: بیشتر تلاش خانواده‌ها برآورده کردن نیازهای فکری و مادی فرزندانشان بوده است و بیشتر برای داشتن درآمد کافی تلاش کرده‌اند و نه روابط عاطفی و وقت کافی با فرزندانشان. ارتباط کافی با فرزندان باعث می‌شود؛ آن‌ها نسبت به خانواده احساس تعلق کنند و نبودشان را صدمه‌ای جبران‌ناپذیر به خانواده بدانند.

دولت‌آبادی با بیان اینکه با مرور زمان انسان‌ها بیشتر از هم فاصله گرفته‌اند و هر کس با دنیای مجازی و فردی خود درگیر است، خاطرنشان کرد: در این شرایط پیوندهای عاطفی کمتر شکل می‌گیرند و سست‌تر هستند که این مسائل باعث شده دچار آسیب‌های بیشتر و واکنش‌های غیرمنتظره همچون خودکشی شویم.

خودکشی در رده سنین پایین یک هشدار است

این روان‌شناس ضمن هشدار نسبت به وقوع تعدادی خودکشی در یک رده سنی پایین عنوان کرد: هر چه به مسائلی همچون پیوند اجتماعی، هدف گذاری روشن برای تربیت فرزند، مقاوم سازی، جرأت ورزی، انسان‌دوستی و خانواده دوستی بیشتر توجه کنیم نسل‌های با کیفیت‌تری خواهیم داشت.

رئیس هیئت مدیره انجمن روان‌شناسی ایران با بیان اینکه پژوهش درباره خودکشی همواره صورت گرفته است، عنوان کرد: خیلی بهتر است که به جای تحقیق درباره علل خودکشی بر مسائلی همچون کاهش افسردگی افزایش شادی، مسئولیت پذیری و پیوند غنی‌تر میان انسان‌ها برای تعلق به جامعه و خانواده سرمایه‌گذاری کنیم، زیرا این علل قابل پیش‌بینی هستند

خودآزاری نوجوانان، واکنشی به خشونت‌های پنهان

رییس انجمن آسیب شناسی ایران در خصوص شکل‌گیری مدل رفتار مازوخیسمی (خودآزاری) در بین نسل نوجوان هشدار داد و گفت که این رفتار در واکنش به خشونت پنهان، روش‌های تربیتی و پاسخگویی نادرست جامعه به هیجان‌های رفتاری نوجوانان به وجود می‌آید.

کوروش محمدی اظهار کرد: معمولا پدیده‌ها و آسیب‌ها بر اساس الگوهای غالب ایجاد می‌شود. هر موقع شرایطی در یک نسل اپیدمی می‌شود به دلیل محدودیت‌هایی است که برای یک گروه سنی ایجاد می‌شود و مشکلات را به وجود می‌آورد مثل آنچه برای نسل امروز نوجوان کشور ایجاد شده است.

به گزارش ایسنا وی افزود: امروز نسل نوجوان ما در ارتباط با نیازهای غریزی و هیجانی مکانیزمهای پاسخگویی در جامعه را دریافت نمی کند زیرا این مکانیزم ایجاد نشده و اگر هم ایجاد شده باشد بسیار اندک و ضعیف است.

رییس انجمن آسیب شناسی ایران ادامه داد: وقتی نوجوان در این شرایط قرار می‌گیرد استعداد هرگونه انحراف و پذیرش الگوهایی مثل خودکشی و رفتارهای خشن علیه شرایط درونی و روحی را دارد. در نسل نوجوان، مباحثی از جمله یک مدل رفتار مازوخیسمی (خودآزاری) در حال شکل گیری است که در واکنش به خشونت پنهان در جامعه و روش‌های تربیتی و پاسخگویی نادرست جامعه به هیجان‌های رفتاری نوجوانان به وجود می‌آید.

محمدی ادامه داد: به همین دلیل در یک سال می‌شنویم که دختران نوجوان مدارس خودزنی می‌کنند و یا اینکه نسل نوجوان به الگوهای غالب مثل رفتارهای خشن و حتی فرقه‌های انحرافی روی می‌آورند و به خود آسیب می‌رسانند.

وی در خصوص خودکشی تأکید کرد: امروز الگوی غالب برای رفتارهای خشن در نسل نوجوان حلق آویزی و پرتاب از ارتفاع در اماکن عمومی است. این موضوع در ارتباط با تأثیر رسانه‌های مجازی نیز ایجاد می‌شود و به همین دلیل قصه چالش نهنگ آبی مطرح می‌شود. این چالش وجود دارد و گذشته از خود آن به موضوع ایجاد یک چالش ذهنی اشاره می‌کنم. این چالش در جامعه به وجود آمده و فرآیند ذهنی کل جامعه را درگیر کرده است به همین دلیل رسانه‌ها را درگیر و مراجع قضایی را وادار به واکنش کرده است، پس نمی‌شود چنین چالشی را مردود اعلام کرد.

رییس انجمن آسیب شناسی ایران تأکید کرد: باید بپذیریم که در پاسخ دادن به رفتارهای هیجانی جامعه، ناکارآمد عمل می‌کنیم. در بخش تربیت و در بخش آموزشی و حتی در مدرسه مشاهده می‌کنیم که به حد کافی مکانیزم های پاسخگویی و مشاوره در اختیار نداریم و چنین شرایطی در نهایت منجر به نوعی ناهنجاری‌های رفتاری می‌شود که ریشه در هیجانات تلنبار شده نوجوانان دارد.

محمدی اظهار کرد: نظام آموزشی ما نظام مهارتی نیست اگر این نظام مهارتی باشد نوجوان ما که نیمی از عمر و ساعات فعال زندگی خود را در مراکز آموزشی می‌گذراند می‌تواند در هنگام مواجه با هیجانات آن را مدیریت کند. امروز اگر این اتفاق رخ نمی‌دهد به این دلیل است که نظام آموزشی ما ناکارآمد است و چنین قابلیتی را ندارد.

وی به خانواده‌ها و نظام تربیتی آنها اشاره کرد و گفت: در خانواده‌ها نیز چنین داستانی مطرح است. ما روش تربیتی صحیح و دارای چهارچوب مشخصی در خانواده نداریم و خانواده‌ها از روش خاصی تبعیت نمی کنند و با سلیقه بحث تربیتی را جلو می‌برند. این در حالی است که سلیقه‌ای رفتار کردن در روش‌های تربیتی کار دست ما می‌دهد. خانواده در ایجاد ارتباط سالم و مؤثر درست عمل نمی کند و والدین از مهارت آموزی بی بهره‌اند.

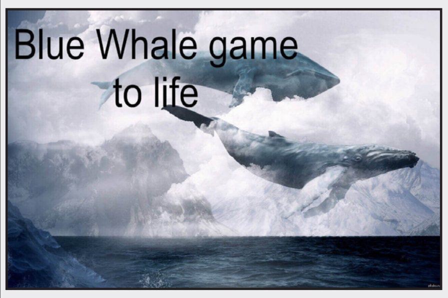
رییس انجمن آسیب شناسی ایران اظهار کرد: در موضوع خودکشی و آسیب اجتماعی نباید دنبال مقصر بگردیم. یکی از مشکلات جامعه ما در بحث آسیب‌های اجتماعی همچون خودکشی این است که هیچ متولی در این زمینه وجود ندارد همه خود را در موضوع آسیب اجتماعی صاحب نظر و دخیل می‌دانند، اما هنگام پاسخگویی هیچکس وجود ندارد و همه رفع تکلیف می کنند.

محمدی خاطرنشان کرد: ما باید به سمت سیستم آموزشی با روش‌های صحیح و جدید کارآمد حرکت کنیم. وقتی نوجوان در مدرسه‌ای که تحصیل می کند چیزی به عنوان "مهارت" کسب نمی‌کند خود یک آسیب بزرگ محسوب می‌شود.

بازی چالش انگیز Blue Whale نهنگ آبی و خودکشی کاربرانش!

چالش Blue Whale یا نهنگ آبی که معروف به Blue Whale Suicide شده و پدیده ی رسانه های اجتماعی شده است. گفته می شود که این بازی باعث خودکشی برخی از نوجوانان شده است. در واقع این بازی یک اپلیکیشن یا یک نرم افزار قابل دانلود نیست بلکه یک چالش در رسانه های اجتماعی است که از طریق گروه هایی مخفی منتشر و پخش می شود.

اما ماجرای اصلی اینگونه است که در یک سایت اجتماعی محبوب روسی به نام VKontakt چالشی به رهبری گروهی به نام "Death group" راه اندازی شده و نتیجه ی آن خودکشی نوجوانان بوده است. چالش نهنگ آبی در سال ۲۰۱۵ آغاز شد و در واقع پس از اولین



خودکشی شکل جدی به خود گرفت. این بازی تا بیش از ۵۰ روز ادامه داشته، تا جایی که بازیکن یا کاربر باید بتواند ۵۰ چالش را با موفقیت انجام دهد. در آخر نیز کاربران باید تصویری از انجام چالش ها بفرستند، تأییدیه ای دریافت کنند و وارد مرحله ی بعد شوند. این چالش ها از دیدن فیلم های وحشتناک شروع می شود و تا پنجاهمین چالش که خودکشی کاربر است ادامه خواهد یافت.

براساس گزارشات منتشر شده از منابع روسی، یکی از سرپرستان این گروه به دلیل تحریک کودکان و نوجوانان به خود کشی بازداشت شده است. چند ماه بعد، یکی از کاربران یوتیوب به نام Sasha Panchuk، ویدیویی از یک نوجوان در حالی که مشغول بازی Blue Whale و از سقف می پرید تهیه و منتشر کرد. این ویدیو در همان زمان حذف شد ولی می توان گفت که این بازی منجر به مرگ حدوداً ۱۳۰ کاربر نوجوان روسی شده است.

در ماه مه سال گذشته مقامات روسیه اعلام کردند که تمامی اعضای شبکه ی اجتماعی VK دستگیر شدند و یکی از آنها یک دانشجوی ۲۱ ساله ی رشته ی روانشناسی به نام Philipp Budeikin بوده است. Philipp Budeikin ادعا کرده است که این بازی را با هدف پاکسازی جامعه از انسان های بی ارزش و غیر عادی طراحی کرده است. او همچنین ادعا کرده است که از اختلال دو قطبی بودن رنج می برد و یکی از دلایل ساخت این بازی نیز همین موضوع است در واقع او با این ادعا می تواند مجازات خود را کاهش دهد.

این بازی مجدداً در حال شکل گیری است و اخیراً با خودکشی پسری نوجوان آغاز شده است. این موضوع باعث شده تا پلیس های محلی به بررسی موارد خودکشی نوجوانان بپردازند و خودکشی های مربوط به بازی نهنگ آبی را دسته بندی کنند. در همین حال دولت هند از شرکت های بزرگی چون Google، Facebook، Microsoft، Instagram، WhatsApp و Yahoo تقاضا کرده است تا تمامی لینک ها و ارجاعات به بازی نهنگ آبی را حذف نمایند. در واقع می توان گفت که این اولین بار نیست که چالش هایی در شبکه های اجتماعی منتشر می شود که به تحریک روانی نوجوانان می پردازد و باعث خودکشی آنان میشود!

عوامل خطرزای خودکشی نوجوانان چیست؟

عوامل خطرزا، عادت یا پیشینه‌هایی هستند که می‌توانند احتمال قرار گرفتن فرد در موقعیت خودکشی را افزایش دهند. بعضی از عوامل خطرزای خودکشی ممکن است ارثی باشند که برای نمونه می‌توان به سابقه ارتکاب خودکشی در میان یکی از اعضای خانواده اشاره کرد. از دیگر عوامل خطرزای خودکشی می‌توان به یک بیماری فیزیکی اشاره کرد که خارج از کنترل فرد است؛ اما اگر بتوانید عوامل خطرزای خودکشی را زود تشخیص دهید و در جهت تغییر عوامل خطرزای قابل‌کنترل اقداماتی را انجام دهید می‌توانید زندگی فرد را نجات دهید. از عوامل خطرزای خودکشی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تلاش‌های خودکشی قبلی.
- اختلالات روانی، مخصوصا افسردگی و دیگر اختلال‌های ذهنی، اسکیزوفرنی و اضطراب اجتماعی.
- سوءمصرف مواد مخدر و الکل.
- پیشینه سوءاستفاده از نوجوان یا سوء رفتار با او.
- سابقه خانوادگی خودکشی.
- احساس‌های ناامیدی.
- بیماری جسمی.
- تمایلات تکانه‌ای یا پرخاشگرانه.
- زیان مالی یا اجتماعی.
- شکست در روابط عاطفی.
- انزوا یا نبود حمایت اجتماعی.
- دسترسی آسان به روش‌ها یا ابزار خودکشی.
- تماس با افرادی که مرتکب خودکشی شده‌اند.

نسیم جنوب
۷
اجتماعی
شماره ۸۵۱ شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

چه عواملی سبب خودکشی در نوجوانان می‌شود؟

یک روانپزشک با اشاره به اینکه نوجوانانی که دست به خودکشی می‌زنند، به طور معمول زمینه‌ای طولانی مدت از عدم ثبات و ناسازگاری در خانواده همچون اختلاف با اعضای خانواده دارند، گفت: مهمترین عامل در اقدام به خودکشی ابتلا به بیماری روانی است که باید توسط روانپزشک درمان شود.

دکتر مهدی قاسمی، درباره این موضوع که چه عاملی سبب ناکامی و در نهایت خودکشی در برخی از نوجوانان می‌شود، اظهار کرد: خودکشی حرکت جبرانی شدید است که در برابر اعتراضات از فرد بروز می‌کند. گویی فرد نیاز دارد که بر اطرافیان تسلط یابد و احساس کمبود خود را کاهش دهد. لذا نوجوان مرگ را انتخاب می کند که ارزش خود را به اطرافیان نشان دهد.

وی با بیان اینکه خودکشی عملی است که به منظور خلاص شدن از یک مسئله بن‌بست، مشکل و بیرون آمدن از یک دوراهی، بحران و وضعیت غیر قابل تحمل به وجود می‌آید، افزود: عشق‌های دوره نوجوانی و حتی وابستگی به جنس مخالف، گاهی به عنوان عامل خودکشی نقش پیدا می کند



که هدف آن‌ها می‌تواند رهاسازی خود از فشارهای محیطی و اجتماعی که به نحوی آنان را عذاب می‌دهد، باشد.

این روانپزشک خاطرنشان کرد: نوجوانانی که دست به خودکشی می زنند، به طور معمول زمینه‌ای طولانی مدت از عدم ثبات و ناسازگاری در خانواده همچون اختلاف با اعضای خانواده دارند. همچنین این افراد ممکن است مسایلی مثل طرد شدن از طرف خانواده، از دست دادن والدین به ویژه قبل از ۱۳ سالگی، رفتار پرخاشگرانه والدین و شکست عاطفی داشته‌اند و بر همین اساس احساس ناکامی کرده و اقدام بـه خودکشی کنند.

قاسمی یادآور شد: هنگامی که نوجوان خود را برای احراز موفقیت تحت فشار قرار می دهند و احساس می کند که باید جزو بهترین‌ها و کامل‌ترین‌ها باشد تا والدین خود را خشنود کند، بنابراین وقتی بـه موفقیت دل خواه خود به طور مثال قبول شدن در دانشگاه نمی‌رسد این مسئله سبب احساس شکست و ناکامی شده و فرد را در خطر اقدام به خودکشی قرار می‌دهد.

این رواندرمانگر گفت: هنگامی که رفتار والدین یا اطرافیان احساس بی‌احترامی و درک نشدن را در نوجوانان ایجاد می کند و احساس می کنند به او احترام گذاشته نمی‌شود و از وضعیت خانوادگی و محدودیت‌ها ناراضی بوده و قادر به تغییر دادن این موقعیت‌ها نیستند در معرض احتمال خودکشی بیشتری قرار دارند.

وی عنوان کرد: سرزنش‌های مکرر خانواده، استهزاء همکلاسی‌ها و فشارهای معلمان، برخی اوقات عرصه را آنچنان بر نوجوان تنگ می کند که تصمیم به پایان زندگی می گیرد اما همچنان مهمترین عامل در اقدام به خودکشی ابتلا به بیماری روانی است که باید توسط روانپزشک درمان شود.

منبع: طبنا (خبرگزاری سلامت)

نگاهی به خودکشی دو نوجوان ایرانی

شکاف میان فرزندان و والدین ، بیش از یک نسل شده است



برای"ع ونیلوفر" به گفته خوشان "شرایط این طور ایجاب می کند" که خودشان را از پل چمران پایین بیندازند. بعد از تمام گمانه زنی ها نهایتا فضای مجازی به جای مسئولان بخشی از معمای مرگ دو دختر جوان را حل کرد. معمایی که از چالش راست یا دروغ "نهنگ آبی" به "امیر و محمد" ختم شد.

به گزارش از ایسنا، در میان آمار ۱۴۶ خودکشی در یک سال، مورد "ع" و "نیلوفر" از همه جنجالی‌تر است. خودکشی همزمان این دو، گمانه زنی های متعدد و در نهایت انتشار فیلمی که نشان می‌داد ارتباط عاطفی، هر دو را به سمت مرگ کشانده است، همه و همه دست به دست هم داد تا این دو دختر جوان در میان اخبار رسانه‌ها قرار گیرند. داستانی که گفته می شود از دور پیچیده به نظر می‌رسد اما زیاد پیچیده نیست. اما کدام شرایط موجب می شود فکر خودکشی در افراد به قطعیت برای پایان دادن به زندگی تبدیل شود؟

علی راکی، روانشناس با بیان این‌که دلایل برای خودکشی بسیار متفاوت بوده و طیف گسترده‌ای دارد و طبقه بندی آن برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان متفاوت است، می گوید: در مرحله نخست افرادی به خودکشی فکر می کنند که ممکن است مشکلات خلقی یا افسردگی داشته باشند، البته تنها افراد افسرده به خودکشی فکر نمی کنند بلکه شکست‌های عاطفی مانند طلاق و یا شکست‌های تحصیلی نیز ممکن است در مقطع کوتاهی موجب فکر کردن به خودکشی شود.

وی ادامه می‌دهد: در مرحله بعد افراد از فکر خودکشی خارج می‌شوند و در مورد آن صحبت می کنند و در مرتبه بعدی به مرحله‌ای می‌رسیم که فرد ژست خودکشی می گیرد، مثلا با تهیه قرص، سلاح سرد و یا رفتن روی پل تهدید به خودکشی می کند و در فضای مجازی گاهی اخباری مبنی بر نجات افراد از خودکشی منتشر می‌شود.

این روانشناس تصریح می کند: برخی مواقع خودکشی از حالت ژست خارج می‌شود به اقدام به خودکشی تبدیل می‌شود، البته در بیشتر موارد اقدام به خودکشی نیز به مرگ ختم نمی‌شود، مثلا خوردن قرص با هدف خودکشی میان زنان رایج است که در نهایت فرد به این فکر می کند که نجات پیدا خواهد کرد، اما در مرحله آخر فرد با هدف مرگ این کار را انجام می‌دهد که معمولا در مردان رایج‌تر است، مثلا خودکشی از طریق حلق آویز شدن که نتیجه آن قطعا مرگ خواهد بود.

راکی می‌افزاید: در ویدئویی که از دختران اصفهانی منتشر شده، هر دو به ناهنجاری‌ها و مشکلات خانوادگی و ارتباطی که داشته‌اند اشاره می‌کنند و جالب اینجاست که به شکلی صحبت می کنند که برای تمام مردم ایران است و تنها با خانواده خداحافظی نمی کنند و به نظر می‌رسد که می‌دانستند این فیلم قرار است منتشر شود. این نشان می‌دهد که حتی وقتی هدف واقعی خودکشی است بحث فضای مجازی چقدر برای آن‌ها مهم است.

وی با اشاره به فیلم‌های منتشر شده در خصوص تیغ زنی دختران در مدارس ادامه می‌دهد: خانواده‌ها در این مورد بسیار حساس شدند، پس از آن اخبار مرتبط با آسیب به کودکان منتشر شد و مورد آخر خودکشی این دو دختر مطرح شد، بررسی این موارد به لحاظ علوم اجتماعی شکل دیگری دارد اما از نظر روان شناسی در خصوص آسیب‌ها هیچ یک از کشورهای دنیا با تمام تلاش‌ها، نتوانستند این مشکلات را به طور کامل رفع کنند.

این روانشناس تصریح می‌کند: این مهم است که دولت‌ها سازوکارهای خودشان را برای رفع آسیب‌های اجتماعی در حوزه جوانان داشته باشند اما به اعتقاد من، اصلی‌ترین دلیل در وهله نخست ارتباطات خانوادگی و مباحث تربیتی است. در حال حاضر شکاف بسیار عظیمی میان والدین و فرزندان به وجود آمده که حتی بیش از یک نسل است و در مورد دخترها بسیار بیشتر صدق می کند.

به گفته راکی مشکل اصلی که در این حوادث بسیار ظهور پیدا می کند ارتباط میان پدرها و دخترهاست که متأسفانه محبت کافی از طریق پدرها تأمین نمی‌شود، این ارتباط ناقص وقتی بیشتر نمایان می‌شود که دخترها به سن بلوغ می‌رسند، زیرا در این دوران یک انسان سالم از نظر عاطفی نیاز به جنس مخالف دارد. اغلب دخترانی که نیازهای عاطفی‌شان در دوران کودکی از سوی پدرهایشان تأمین نشده نسبت به کوچک‌ترین ابراز محبت، جذب جنس مخالف می‌شوند.

وی خاطرنشان می‌کند: در فیلمی هم که از این دو دختر دقایقی قبل از اقدام به خودکشی منتشر شده هدف اصلی "امیر و محمد" و قطع رابطه این دو نفر با دخترهاست. این داستان‌ها با این که از دور پیچیده به نظر می‌رسد اما زیاد پیچیده نیستند. یک ارتباط عاطفی سالم و مؤثر میان والدین و فرزندان می‌تواند جلوی چنین حوادثی را بگیرد، اگرچه این ارتباط به معنی این نیست که آن‌ها را آزاد بگذارند بلکه باید علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای عاطفی فرزندان را نیز برآورده کنند.

این روانشناس می گوید: وقتی پدری آخرین باری که فرزند خود را در آغوش گرفته عید سال گذشته بوده، وقتی مادرها می ترسند از این که در سنین بلوغ به فرزند نوجوان خود اطلاعات اصلی زندگی به ویژه در خصوص مسائل جنسی را بدهند و به جای ایجاد یک ارتباط نزدیک برای انتقال ارزش‌ها، نصیحت کردن که یک سم تربیتی به شمار می‌آید و موجب تنفر می‌شود را انتخاب می کنند، فرزندان به تدریج جذب دنیای خارج از خانه می‌شوند.

راکی تصریح می کند: در دنیای خارج از خانواده، نوجوانی که تجربه رها شدن در دوران کودکی را دارد با افرادی آشنا می‌شود که برای کوتاه مدت وارد رابطه می‌شوند و پس از آن دیگر تحمل رها شدن را ندارد، از سویی راه برگشت به خانواده هم ممکن نیست، زیرا فرد به طور مستقیم و یا غیرمستقیم طرد شده است، بنابراین برخی پس از مدتی به فکر خودکشی، برخی به ژست خودکشی و برخی هم اقدام به خودکشی می کنند و جان خود را از دست می‌دهند.

وی یادآور می‌شود: اگرچه سازوکارهای اجتماعی را نمی‌توان انکار کرد و مشکلات مالی را نادیده گرفت، اما در بسیاری از موارد حل این موضوع با مادیات امکان پذیر نیست، والدینی وجود دارند که اگرچه از لحاظ مالی بسیار ضعیف هستند اما موفق شده‌اند ارتباط مؤثری با فرزندان خود برقرار کنند. بسیاری از خانواده‌ها باید به این نتیجه برسند که در ارتباط با فرزندان‌شان مشکل دارند.

این روانشناس ادامه می دهد: گاهی نوجوانان آتش زیر خاکستر هستند و زمانی که با پدر و مادرها صحبت می‌کنیم معتقدند فرزندانش بسیار آرام هستند، در حالی که این آرامش قبل از طوفان است. پدر و مادرها باید ارتباط با فرزندان‌شان را نسبت به گذشته بسیار متفاوت‌تر پیش ببرند و برای این کار باید علم آموزی کنند و مطالعه داشته باشند تا شکاف میان دو نسل کمتر شود.

راکی خاطرنشان می‌کند: والدین باید به روزتر باشند، در بسیاری از مواقع علاوه بر این‌که خانواده نیاز نوجوان را تأمین نمی‌کند بلکه فرزندان از لحاظ فکری پدر و مادر را عقب مانده می‌دانند. اگر فردی تصور کند مسائل پنهانی از پدر و مادر ندارد شرایط تربیتی بهتر است تا زمانی که فرزندان به دلیل بی‌اطلاعی پدر و مادر گمان کنند برای انجام هرکاری آزاد هستند. وی معتقد است؛ والدین نباید به جای رفاقت با فرزندان حس رقابت را در آن‌ها ایجاد کنند، برای مثال بسیاری از والدین فرزند خوب را دختر یا پسری می‌دانند، که درس بخواند و وظایفش را درست انجام دهد، در این صورت مورد محبت قرار می‌گیرد. این موارد موجب کمرنگ شدن تدریجی رابطه‌ها و در نتیجه اتفاقاتی مشابه خودکشی دو دختر جوان می‌شود.

این روانشناس با تأکید بر این‌که احساس طرد شدگی از کودکی آغاز می‌شود، می‌افزاید: برای پیشگیری از این اتفاقات، پدر و مادرها به جای اعتراض مدام به فضای مجازی و اظهار تنفر با هشتک‌های مختلف می‌توانند این زمان را صرف مطالعه و شرکت در کلاس‌های مؤثر در تربیت کنند که اتفاقا در اصفهان بسیار است. آن چه مسلم است مشکلات عاطفی و ارتباطی است که موجب می‌شود دختر و پسرها به سمت ناهنجاری‌ها، ارتباط با جنس مخالف، فضای مجازی، مواد مخدر و ... روی آورند؛ بعد از آن وارد رابطه‌های نوجوانی می‌شوند که در نهایت کوتاه مدت و نتیجه آن شکست است در نتیجه به سمت آسیب زدن به خود می‌روند.

بررسی علل اقدام به خودکشی نوجوانان

موضوع تحقیق: بررسی علل اقدام به خودکشی نوجوانان ارجاع شده به بیمارستان گلستان اهواز در سال ۸۰-۷۹

نویسندگان: حسین پور مهناز, غفاری سیدمحمد, مهرابی زاده هنرمند مهناز

میزان اقدام به خودکشی در نوجوانان در سال های اخیر افزایش چشمگیری یافته است. پدیده های انتحاری مخصوصا درنوجوانان یک مشکل رو به رشد بهداشت روانی عمومی است. خودکشی نه تنها می تواند خسارت جبران ناپذیری را بر فرد و وابستگان او وارد سازد، بلکه به عنوان یکی از علائم آسیب شناسی اجتماعی و طبق نظر عده‌ای از کارشناسان، گسستگی و عدم توحید زندگی جمعی را به ما هشدار می دهد.

افزایش نگران کننده میزان خودکشی ها در دهه های اخیر و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و روانی آن، سازمان بهداشت جهانی را بر آن داشت تا در برنامه بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰ کاهش میزان خودکشی در کشورهای جهان را به عنوان یکی از اهداف خود معرفی کند.

در راستای تحقق هدف مذکور، در پژوهش حاضر



علل اقدام به خودکشی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری در این پژوهش ، کلیه نوجوانان اقدام به خودکشی در سنین ۱۱ تا ۱۹ ساله شهرستان اهواز، تعداد نمونه ۵۲ مورد شامل ۲۳ پسر و ۲۹ دختر و مکان پوهش بیمارستان گلستان اهواز از فاصله ۶ ماه از ابتدای اسفند ۷۹ لغایت پایان مرداد ماه ۸۰ بوده است.

نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که علت خودکشی در نمونه مورد تحقیق مشکلات عاطفی-ارتباطی و جنسی- جسمانی- روانی هستند. علت ۴۶ درصد خودکشی نوجوانان عامل عاطفی- ارتباطی و علت ۱۲. ۶ درصد خودکشی در این گروه سنی عامل جنسی- جسمانی- روانی است. بنابراین، بر اساس داده های حاصل می توان نتیجه گرفت که از میان دو عامل، مشکلات عاطفی - ارتباطی نقش بسیار مهمی را در اقدام به خودکشی نوجوانان ، ایفا می کنند.

بررسی خودکشی در ایران و رابطه خودکشی با سن – جنس

عسل محلوجی

در ایران مطالعه ی دقیقی در مورد خودکشی صورت نگرفته است زیرا آمار پزشکی قانونی گویا نیست و بسیاری از افراد خودکشی افراد خانواده ی خود را ننگ و بی آبرویی تلقی کرده و از افشای آن خودکشی می کنند.

درکشور آمارهایی وجود دارد که حاکی از آنکه سالیانه ۵ تا ۷ هزار نفر از طریق خودکشی جان خود را می گیرند که نیمی از آن ها در شهرهای بزرگ، یک چهارم در شهرهای کوچک و متوسط و بقیه در روستاها اتفاق می افتد. دکتر قرایی مقدم معتقد است که نگاه سنتی خانواده ها به مسأله خودکشی که درکشور ما وجود دارد موجب گردیده است تا به آمار دقیق و صحیح دسترسی نداشته باشیم زیرا در بسیاری از شهرها خودکشی هر یک از افراد خانواده موجب بی حیثیتی و بی آبرویی خانواده می شود همین دلیل به مخفی کردن نوع مرگ می انجامد.

علل خودکشی در ایران:

۱. اختلافات زناشویی، عشق و تمایلات شدید عاطفی و علل ناموسی.

۲. ناراحتی های روانی، شکست در عشق و اختلالات روانی و شخصیتی.

۳. مشکلات ناشی از شکست های تحصیلی و استرس ها و فشارهای روانی و روحی ناشی از آنها (فشارهای عاطفی، فشارهای تحصیلی مانند کنکور، نقایص جسمی و فیزیکی در نسل جوان) و احساس پوچی و بی هدفی و افسردگی.

۴. فقر و تنگدستی، بیکاری، اخراج از کار و شرایط نامساعد اقتصادی.

۵. مسائل و معضلات زندگی شهری و وضعیت نا به سامان زندگی.

۶. از هم پاشیدگی گروه های اجتماعی مانند خانواده، شغلی، خویشاوندی، دوستی و..

۷. اعتیاد به مواد مخدر، الکل و داروهای توهم زا.

۸. ضعیف شدن اعتقادات مذهبی.

۹. عدم استقلال و اجبار در پیروی از مقررات سنتی.

۱۰. برملا شدن اسرار و حقایق خصوصی زندگی فرد.

رابطه خودکشی با سن- جنس

طی تحقیقاتی که در کشورهای مختلف صورت گرفته نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مردها بیش از زنان خودکشی می کنند و اغلب آنان درگروه سنی ۶۵-۴۵ ساله قرار دارند. اوج اقدام به خودکشی در میان زنان و مردان ایرانی درگروه سنی ۲۴-۱۸ ساله می باشد. در ایران نوجوانان و جوانان از یک طرف و زنان از طرف دیگر دو قشری هستند که بیشتر از سایرین دست به خودکشی می‌زنند.

تحقیقات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در سال ۱۳۸۲ خودکشی ۲۴۸۶ زن و ۱۴۸۱ مرد را نشان می‌دهد و آمار وزارت بهداشت از انجام حداقل ۱۳ خودکشی در روز با میانگین سنی ۲۹ سال خبر می‌دهد. طبق این آمار نسبت خودکشی مردان به زنان ۲/۵ به یک و گاه ۴ /۵ به یک است. در یک طرح پژوهشی که در سال ۱۳۵۲ در کشور، مشخص گردید که خودکشی در میان مردان و زنان جوان متأهل به دلیل درهم ریختگی ارزش های اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه نا به سامانی نهاد خانواده افزایش یافته است. در تحقیقی که در سال های ۴۷-۱۳۴۵ بر روی افرادی که اقدام به خودکشی کرده بودند صورت گرفت، جامعه مورد مطالعه شامل ۸۳۹ مرد و ۶۲۳ زن بوده و نتایج زیر حاصل پژوهش فوق است: خودکشی زنان در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله بیشتر است، اما بیشتر خودکشی های مردان مربوط به فاصله سنی ۳۴-۱۵ سال می باشد. این بررسی اختلاف های خانوادگی را مهم ترین انگیزه خودکشی عنوان می کند (۲۶درصد) و بعد از آن مسایل اقتصادی را دومین دلیل انجام انتحار معرفی می کند.

در سال ۱۳۴۹ نیز بررسی ای بر روی ۳۶۲۷ مورد انجام می گیرد که در بین آنها ۱۴۱۵ نفر مرد و ۲۲۱۲ نفز زن بوده اند. که باز حکایت از غلبه زنان خودکش بر مردان خودکشی کننده دارد. دکتر "امان الله قرائی مقدم" با اشاره به تغییرات به وجود آمده در روند خودکشی ایرانیان طی سه دهه اخیر معتقد است که نسبت خودکشی زنان و مردان نسبت به ده سال گذشته تغییر کرده است، قبل از سال ۱۳۷۰ نسبت خودکشی زنان به مردان ۵ به ۲ بود اما در ۱۰ سال گذشته نسبت خودکشی مردان به زنان ۳ به ۲ افزایش یافته است.

وی همچنین عامل خودکشی مردم ایران در سطح کلان را وجود "آنومی" یا نوعی بی هنجاری می خواند و پریشانی فکر، نابودی نظم منطقی فکری و دچار تشتت آرا بودن را که منجر به خودکشی افراد می شود از نتایج این بی هنجاری می داند. دکتر عباس محمد، اصل خودکشی را عملی تعمدی برای نابودی فرد می داند و آن را در سه سطح کلان، میانه وخرد بررسی می کند.

۱. سطح کلان: از سویی ضعف هنجارها و درهم ریختگی ارزشی و از سوی دیگر فقدان حمایت های مدنی از فردیت رو به رشد شخص، موجب بروز خودکشی می شود.

۲. سطح میانه: فقدان تناسب میان فردیت افراد با هنجارهای اجتماعی و تضاد نمادهای معرفتی الگوهای جدید با ذهنیت و باورهای افراد که به دلیل وجود مدیریت ناکار آمد در سطح جامعه به وجود می آید.

۳. سطح خرد: مجموع این عوامل موجب بروز یک کنش اعتراضی می شود که فرد طی آن تلاش در آسیب رساندن به خود یا جامعه را دارد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۸۲-۱۳۷۵، در گروه سنی ۲۴-۱۸ ساله در زنان و گروه سنی ۳۴-۲۵ ساله در مردان بالاترین تعداد اقدام به خودکشی دیده می شود. زنان بیشتر از مردان اقدام به خودکشی می کنند ولی نرخ خودکشی (منجر به فوت) در مردان بیشتراست؛ رقم بالا در خودکشی مردان به تفکیک استان در استان تهران و در زنان مربوط به لرستان بوده است. (سالنامه آماری کشور ۱۳۸۲)

خانم حیدری در تحقیق خود اشاره دارد که شایع ترین روش خودکشی در مردان دارآویختگی، استفاده از مواد مخدر، استفاده از ترکیب تریاک و دارو و سقوط از بلندی و هم چنین در بین زنان خودسوزی، استفاده از دارو وجود دارد و روش هایی دیگری همانند برق گرفتگی، بریدگی با چاقو نیز وجود دارد. ایلام بیشترین آمار خودسوزی را در کشور دارد واستان های کرمانشاه، همدان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد و گلستان در رتبه ی بعدی قرار دارند. به طور نسبی اقدام به خودکشی در زنان نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش داشته ولی چشمگیر نبوده و به عکس نرخ اقدام به خودکشی مردان روندی رو به افزایش داشته است و از این تعداد اقدام به خودکشی، مردان اغلب خودکشی کرده در حالی که فوت شدگان در زنان نسبت به اقدام به خودکشی کمتر است.



خودکشی دانش آموزان؛ بحرانی که هنوز هم نادیده گرفته می‌شود

مطالعات کمی در زمینه خودکشی دانش آموزان ابتدایی در مدارس انجام شده است، با این حال مطالعه ای که سال گذشته منتشر شد، تفاوت هایی در علل بروز خودکشی در سنین مختلف دوران کودکی و نوجوانی نشان می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین؛ در یکی از روزهای ماه ژانویه، در یکی از شهرهای ایالت اوهایو در آمریکا، گابریل تای ۸ ساله پس از بازگشت از مدرسه، خودش را با یک کروات حلق آویز می کند.

عصر آن روز مادر گابریل بدن بی جان او را در اتاق خوابش پیدا کرد. پس از این اتفاق، خانواده گابریل مدرسه او را در خودکشی فرزندشان مقصر دانستند و مدعی شدند او پیش از این حادثه مورد آزار و اذیت قرار گرفته است و مسئولان مدرسه والدین را در جریان این امر قرار نداده اند.

خودکشی در کودکان زیر ۱۳ سال در ایالات متحده به ندرت مشاهده می شود، با این حال احتمالا میزان مرگ و میر ناشی از خودکشی در این گروه سنی بیش از آن چیزی است که به نظر می رسد.

به گزارش مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری های آمریکا، از سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۵، ۱۳۰۹ کودک در سنین ۵ تا ۱۲ سال در ایالات متحده با اقدام به خودکشی از دنیا می روند.

www.nasimjonoub.com
پایگاه خبری تحلیلی نسیم جنوب
خبرها و مطالب مهم
را روزانه ببینید و بخوانید

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



بابک شاکر شاعر و روزنامه نگار بوشهری:
تحریم مطبوعات اصلاح طلب حامی دولت توسط مدیرکل ارشاد بوشهر، تأسف آور است



بابک شاکر، شاعر و روزنامه نگار بوشهری در گفتگو با اتحاد خبر گفت: متأسفانه حدود دو سال است که تعدادی از نشریات اصلاح طلب استان بوشهر منتقد مدیریت خانم ماحوزی مدیرکل ارشاد بوشهر، از طرف ایشان مورد تحریم آگهی های ادارات دولتی که توسط اداره ارشاد توزیع می شود، قرار گرفته اند و انتشار آنان به عنوان تریبون جامعه مدنی دچار مشکل شده است. نشریات اصلاح طلبی همانند نسیم جنوب، نصیر بوشهر، اتحاد جنوب، چشم انداز جنوب و ... که مشی اصلاح طلبانه آنها در زمان دولت احمدی نژاد نیز باعث تحریم چندین ساله آنها توسط اداره ارشاد بوشهر بود.

وی افزود: تحریم نشریات اصلاح‌طلب از طرف مدیرکل ارشاد خانم ماحوزی با توجه به وضعیت کنونی دولت ایران، آن هم در دوره دوم ریاست جمهوری دکتر روحانی که مبنای آن بر اساس مفاهیم تدبیر و امید است، چیزی نیست جز تناقض برآمده از تفکرات شخصی و دچار انشقاق که در بدنه مدیران دولت هم مشاهده می‌شود. شعارهایی که بنیان آنها بر اندیشه‌گری و آرمان‌جویی نهاده شده است، اکنون به مانند شمشیر داموکلوس بر فراز سر دولت است؛ در واقع ایشان دارند به دولت برآمده از خواست مردم لطمه می زنند... دولتی که با کوهی از انتظارات از جانب مردمی مواجه است که چشم به راه برآورده شدن آنها هستند و اکنون با مشاهده تناقضات در گفتار و کنش این قشر مدیران، امیدشان به یأس بدل شده و هیچ تدبیری برایشان اندیشیده نمی‌شود. تحریم‌های این چنینی در عرصه فرهنگ استان بوشهر دقیقا به موازات تحریم‌هایی پیش می‌رود که مدت‌هاست دامن کشور را گرفته و خود دولت تمام تلاشش را برای برون‌رفت از این وضعیت به کار می‌گیرد، واقعا تأسف آور است.

شاکر در خصوص تحریم نشریات اصلاح طلب همسو با دولت تدبیر و امید توسط مدیرکل ارشاد دولت تدبیر و امید، اظهار داشت: در این رابطه تنها افسوس می توان خورد و بر ساحت مطالبه گری و انتقاد از مدیریت آنان افزود زیرا در کنار تلاش برای رهایی از تحریم‌های بین‌المللی توسط دولت، ابتدا باید تحریم‌های موجود در بدنه داخلی کشور رفع شود!!! تحریم‌هایی که به تدریج ریشه فرهنگ را می‌پوسانند. انتشار نشریات در حوزه‌های فکری مختلف و نیز برگزاری مراسم بزرگداشت مشاهیر استان بوشهر همچون مرحوم آتشی، خدمت بزرگی به فرهنگ این شهر و مردم فاضل آن است که باید در جهت پیشبرد و بهبود آنها تمام ظرفیت‌های موجود به کار گرفته شوند.

متأسفانه کنش های اشتباه امثال مدیرکل وقت ارشاد در استان بوشهر که با وجود شعارهای اصلاح‌طلبانه، گاهی فاقد کنش سیاسی اصلاح‌طلبانه است، نگاه مردم را به اصلاحات دچار خدشه می کند. این سبک مدیریت خانم ماحوزی نشانگر تفکر یک بام و دو هوای وضعیت مدیریتی ایشان است. گفتمان امید و تدبیر اکنون باید به مرحله فعلیت خود برسد اما استان بوشهر شاهد کمتر عملکرد کارسازی خصوصا در حوزه فرهنگی است.

این روزنامه نگار ادامه داد: برای خروج از مشکل پیش آمده در خصوص تحریم‌های نشریات اصلاح‌طلب لازم است روزنامه نگاران و فعالان مدنی با اجماع میان خود، طی برگزاری جلساتی انتقادات خود را به وزیر ارشاد و مدیریت ارشد استان برسانند و با بررسی وضع موجود و آسیب‌شناسی آن و نیز پیشنهاد و ارائه راهکارهایی برای بهبود اوضاع حاضر همت گمارند. استاندار محترم جدید بوشهر نیز باید چاره کار مدبرانه ای با توجه به کارنامه ضعیف این مدیرکل بیاندیشد و تصمیم‌گیری‌های اندیشه‌مند برای هر چه پربار کردن درخت فرهنگ استان بوشهر انجام دهد. آن هم در حالی که نام بوشهر از دیرباز با ادب و فرهنگ گره خورده و انتظار از چنین شهری با چنین پیشینه و کارنامه‌ای بسیار بالاست. بنابراین باید به دور از اختلافات حزبی به بهبود وضعیت فرهنگی، اجتماعی، ادبی و... پرداخته شود.

بابک شاکر در پایان عنوان کرد: اگر همان روال تکرار شود مصداق شعر حافظ خواهیم بود که؛
ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش
بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش...

چگونه مطبوعات اصلاح طلب بوشهر حامی دولت از سوی مدیرکل ارشاد این دولت تحریم می شوند؟!!!

سجاد بهزادی روزنامه نگار و فعال مدنی





– شما به عنوان یک روزنامه نگار با سابقه استان بوشهر، تحریم تعدادی از نشریات اصلاح طلب توسط مدیرکل ارشاد بوشهر را به دلیل مشی انتقادی آنها نسبت به مدیریت وی، چگونه ارزیابی می کنید؟

– "تحریم خودخواهانه یک نشریه به خاطر مشی انتقادی آن نشریه"؛ این گزاره و این تفکر بسیار خطرناک در حالی که شنیدن آن حتی از دولت های تمامیت خواه و توتالیتر نیز دیگر محکوم شده است، متأسفانه در بخش هایی از جامعه ما همچنان قربانی می گیرد. جامعه ای که به سیستم بی اعتناء است و فردگرائی ذائقه سیاست ورزی بسیاری از مدیران آن است. به باور من تحریم نشریه و فکر و رسانه در هر دولتی که رخ دهد بیماری است که بلافاصله باید درمان شد وگرنه آسیب هایی جدی به پیکره فرهنگ آن سامان وارد می کند. دولتی که شعارش انتقادپذیری بود و از همان ابتدا سیاست بازپس گیری شکایت های خود از رسانه ها و خبرنگاران را داشت و همچنان بر این سیاست تأکید دارد (و البته در استان بوشهر نیز به حق این سیاست اعمال شده است) چگونه است مدیرکل فرهنگ و ارشادش چالش مهم تحریم برخی نشریات اصلاح طلب را برای همیشه برطرف نمی کند.

– درباره تحریم نشریات اصلاح طلب همسو با دولت تدبیر و امید در بوشهر توسط مدیرکل ارشاد دولت تدبیر و امید، چه می توان گفت؟

– این هم به شوخی های تلخی می ماند که بر پیکره تفکر اصلاح طلبی استان سایه انداخته است. چگونه است نشریات اصلاح طلبی که حامی دولت بوده و هستند و سال ها به خاطر این تفکر تلاش کردند و هزینه دادند، اکنون باید مورد تحریم مدیرکل همین دولت قرار بگیرند؟! مگر نه آنست که پیروزی دولت روحانی با عقل و تدبیر و تلاش مضاعف بدنه اصلاحات استان بدست آمد؟ پس چه طنزی است که شاهد هستیم مدتهاست فضای فرهنگی و رسانه ای استان برای برخی رسانه های اصلاح طلب هر روز ملتهب تر و تنگ تر می شود؟

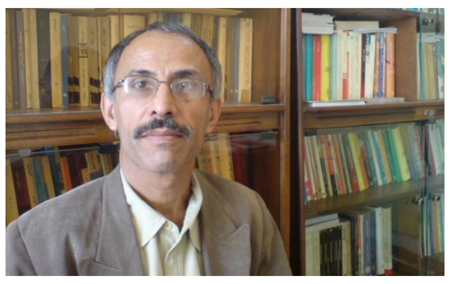
– در شرایطی که ادامه فعالیت نشریات اصلاح طلب بخاطر تحریم مدیرکل ارشاد به مشکل برخورده، چه راهکارهایی برای خروج از این مشکل پیشنهاد می دهید؟

– در راهکار نخست می بایست فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، لیست مشخص و روشنی از حمایت های مادی و معنوی خود از کل نشریات و رسانه های استان را بطور علنی منتشر کند و این لیست مبنای تجزیه و تحلیل دقیق قرار گیرد. و در راهکار بعدی صاحبنظران و حتی مسئولین ارشد استان نیز باید به این لیست به عنوان آب باریکه ای که تنفسی به رسانه ها می دهد اعتناء کنند و به آن حساس شوند و تصمیمات اثربخش بعد از آن انجام شود.

– سخن پایانی؟

– دلم می خواهد در سخن پایانی کمی به ریشه چالش های این چنینی فراتر از موضوع مورد نظر بپردازم. اریک فروم در کتاب "گریز از آزادی" از ترس و نگرانی جامعه ای سخن می گوید که در تاریکی حرکت می کنند و شرایط خطرناکی که منتظر این نوع جوامع است را گوشزد می کند. شفافیت مورد نظر این دولت از نگاه نویسنده یکی از شعارهایی است که باید تقویت شود و همه بدانیم در جامعه با چه چالش هایی در حوزه های مختلف روبرو هستیم و بعد از این هست که می توانیم به راهکار اساسی بیندیشیم. دیگر نمی توان حقیقت را آن گونه که مدیران جلوه می‌دهند باور کنیم. در تاریکی آن گونه که "تاسیت" اعتقاد دارد حتی نخبه های جامعه و روشنفکران نیز گرفتار " فساد زبانی " می شوند و در راستای منافع خود تملق مدیران و حاکمان می کنند. پیشنهاد می کنم اگر فرهنگ و ارشاد استان می خواهد گرفتار "فساد زبانی" نشود شفافیت بیشتر در عملکرد خود داشته باشد و چتر حمایت همه رسانه های استان باشد.

نظر خلیل موحد نویسنده و روزنامه نگار درباره تحریم مطبوعات اصلاح طلب توسط مدیرکل ارشاد بوشهر:
این نوع کردارها با "تدبیر و امید" نسبتی ندارد



– شما به عنوان یک روزنامه نگار با سابقه استان بوشهر، تحریم تعدادی از نشریات اصلاح طلب توسط مدیرکل ارشاد بوشهر را به دلیل مشی انتقادی آنها نسبت به مدیریت وی، چگونه ارزیابی می کنید؟

– باور بنیادین من این است که کمک های نقدی و یا غیر نقدی دولت به نشریات از جمله دادن آگهی های دولتی به مطبوعات نباید تابعی از متغیرهای ایدئولوژیک و سیاسی و یا دوری و نزدیکی رسانه ها به حاکمیت و یا نگاه جانبدارانه و یا انتقادی آن ها نسبت به دستگاه های کلان و یا خرد رسمی باشد. این نگرش کلی شامل چند و چون رویکرد مدیرکل ارشاد بوشهر – هر که می خواهد باشد – نیز می شود. تقسیم رسانه ها به خودی و غیر خودی از سوی حکومت ها و دادن امکانات عمومی و کاربست حمایت های معنوی در حق خودی ها و دریغ آن از غیرخودی ها، کنشی ظالمانه است. امر آرمانی البته این است که نشریات از چنان شمارگانی برخوردار باشند که بتواند هزینه های خود را تأمین کرده و مرگ و زندگی شان در گرو لبخند و اخم حکومت نباشد. اما اگر قرار بر دادن یارانه ی دولتی بوده و نشریات نیز خواهان دریافت کمک های حکومتی باشند، این یارانه ها باید بر اساس رعایت معیارهای حرفه ای روزنامه نگاری به اصحاب رسانه ها داده شود. این ملاک ها از جمله عبارت اند از: ترتیب زمانی انتشار نشریات (روزنامه، هفته نامه و...)، انتشار منظم، تعداد صفحات، کیفیت مطالب از نظر تولیدی و یا غیرتولیدی اخبار، گزارش ها، عکس ها، مصاحبه ها و مقالات، میزان هزینه یک نشریه از هزینه کارکنان و تولیدکنندگان نوشتارها تا مخارج چاپ و توزیع آن، شمارگان نشریه و ضوابطی از این سنخ. برون داد نوشتار بالا این است که در اختصاص یارانه به رسانه ها، قدرت رسمی باید نگاه فکری و سیاسی به رسانه ها را که به تبعیض و آپارتاید می انجامد، فرونهاده و توزیع منصفانه ی یارانه را به التزام مدیران مسئول به پاسداشت چارچوب های حرفه ای روزنامه نگاری بسپارد. تشخیص وفاداری مطبوعات به اصول حرفه ای روزنامه نگاری نیز بایسته است که به عهده کارشناسان فن باشد.

– درباره تحریم نشریات اصلاح طلب همسو با دولت تدبیر و امید در بوشهر توسط مدیرکل ارشاد دولت تدبیر و امید، چه می توان گفت؟

– یکی از برنامه های مثبتی که چنین می نماید پس از روی کار آمدن دولت روحانی در سال ۹۲ انجام شد از یک سو برملا کردن میزان هنگفت و ناعادلانه ی یارانه هایی بود که از سوی دولت پیشین به نشریات راست گرا و همسو با آن دولت پیشکش می شد و از دگر سو دراندازی طرحی تازه برای ساماندهی چند و چون دادن یارانه های مطبوعاتی و شاید پایان دادن به نابرابری ها بود. این که وزارت ارشاد در اجرای عدالت چقدر کامیاب بوده است، بر من آشکار نیست؛ اما اگر این ادعا که اداره ی کل ارشاد استان بوشهر برخی نشریات محلی را به کلی از حق چاپ آگهی های ادارات و شرکت های دولتی محروم کرده، و یا در واگذاری آگهی، به تمام و کمال بر مدار داد رفتار نمی کند مطابق با واقعیت باشد، می توان داوری کرد که وزارت ارشاد دست کم در عملیات کردن دیدگاه ها و بخشنامه های خود در مورد توزیع منصفانه ی آگهی های دولتی در استان ما ناکام بوده است. و این رویکرد به عنوان نمره ی منفی در کارنامه دولت که خود را" دولت راست گویان و درست کاران" به مردم معرفی کرده است، نوشته خواهد شد.

– در شرایطی که ادامه فعالیت نشریات اصلاح طلب بخاطر تحریم مدیرکل ارشاد به مشکل برخورده، چه راهکارهایی پیشنهاد می دهید؟

–گام نخست این است که معترضین و یا نماینده آن ها نشستی با حمیده ماحوزی مدیرکل ارشاد بوشهر برگزار کرده و دلایل و یا علل این رفتار از زبان خود ایشان شنیده شود. و اگر این گفت و شنود خروجی پسندیده ای نداشت باید در کادر رتبه بندی اداری، ادعای اعتراضی خود را همراه با مستندات نیرومند در اختیار استاندار و سپس به وزیر ارشاد قرار داد و خواهان رسیدگی شد. حکومت و کارگزارانش نیز باید پاسخگو باشند. افکار عمومی اما شایسته است که از روند این پیگیری ها و برون داد آن آگاه گردد.

– سخن پایانی؟

– گرچه محروم کردن افراد ملت از حقوق فردی و اجتماعی خود در بهره مندی از سرمایه ها و امکانات عمومی به خاطر دگراندیشی و دگرباشی و دگرآیینی و داشتن روش انتقادی و اعتراضی به دیدگاه ها و عملکرد زمامداران، به نحو عام امری ناپسند و محکوم است؛ اما اگر این گونه رفتارها در دولت رئیس جمهوری رخ دهد که پیدایش و برآمدن آن رئیس دولت، دستاورد حمایت تمام عیار و بی دریغ سر و بدنه ی اصلاحات است، نازیبایی آن فزون تر و دردناک تر خواهد بود. این نوع کردارها با "تدبیر و امید" نیز نسبتی ندارد.